

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



حیات طیبہ در کلمۂ طیبہ

شرح زیارت جامعۂ کبیرہ

جلد اول

علی محمد سلطانی

حیات طیبه در کلمه طیبه
شرح زیارت جامعه کبیره
جلد اول

نویسنده: علی محمد سلطانی
چاپ اول: ۱۳۹۹

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف.....	۹
فصل اول: منزلت شناسی اهل بیت	۱۵
قرآن و مقام اهل بیت.....	۱۶
چرایی عدم تصریح نام امامان در قرآن.....	۲۲
امامان معصوم، علامت هدایت و نجات.....	۲۷
قرآنی بودن ریشه محبت به اهل بیت.....	۲۹
دستاوردهای محبت ورزی به خاندان عصمت.....	۲۹
معنای ملکوتی آیه «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا».....	۳۳

- ۳۸ لزوم معرفت‌شناسی نسبت به معصومان
- ۳۹ داستان روایی (۱)
- ۴۲ داستان روایی (۲)
- ۴۳ ضرورت‌های ارتباط با معصومان و آثار آن
- ۴۸ داستان روایی (۱)
- ۵۰ داستان روایی (۲)
- ۵۲ داستان روایی (۳)
- ۵۷ دستاوردهای امامت و ولایت در جامعه و مسئولیت ما
- ۵۹ ویژگی‌های امامت از منظر امام رضا
- ۶۰ جایگاه امام معصوم در جامعه
- ۶۱ داستان روایی (۱)
- ۶۲ داستان روایی (۲)
- ۶۳ داستان روایی (۳)
- ۶۵ منشور ولایت، همگام با زیارت جامعه کبیره
- ۶۶ ویژگی‌های زیارت جامعه
- ۷۰ زیارت جامعه کبیره در یک نگاه

- فصل دوم: جایگاه زیارت در منظومه فکری شیعه ۷۳
- معنا و مفهوم زیارت (مفهوم‌شناسی زیارت)..... ۷۴
- داستان روایی ۷۹
- مسائل فقهی و احکام زیارت معصومان ۸۰
- برخی از احکام زیارت ۸۳
- گذری بر بوستان بابرکت زیارت جامعه کبیره ۸۵
- کیمیای زیارت جامعه ۸۶
- داستان روایی ۸۸
- بایسته‌های زیارت جامعه (مراقبت‌های معرفتی)..... ۹۱
- یک: ادب و آداب زائر ۹۲
- زیارت جامعه کبیره، مثنوی عشق ۹۵
- دو: اخلاص زائر ۹۸
- سه: امید زائر ۱۰۳
- چهار: استغفار ۱۰۷
- پنج: اراده زائر ۱۱۳
- راهکارهای تقویت اراده ۱۱۶
- شش: استعاذه زائر ۱۱۸

- هفت: اُنس ۱۲۲
- داستان روایی ۱۲۶
- زیارت جامعه کبیره، دعوت نامه رشد، کمال و سعادت ۱۲۸
- داستان روایی ۱۳۰
- زیارت جامعه، کلمه طیبیه شفا بخش ۱۳۱
- شهادت و اقرار به توحید، دالان ورودی جامعه کبیره ۱۳۵
- نقش ملائکه الهی در زندگی انسان ۱۳۷
- چهارده رواق نور: مدح و مصیبت معصوم اول، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله ۱۳۹
- اشاره و گریز به کربلا ۱۴۲
- منابع ۱۴۵

مقدمه مؤلف

حضرت علی بن ابی طالب - علیه السلام - در نهج البلاغه فرمود:
«ای فرزندم یا حسن بن علی! من اگرچه تمام عمر پیشینیان و
گذشتگان را نداشتم، ولی در اعمال و رفتار آنان نظر افکندم و در اخبارشان
اندیشیدم و در آثارشان بررسی و سیر کردم، آن‌چنان‌که گویی یکی از آن‌ها
شده‌ام.»^۱

در مورد سیره و زندگی درخشان چهارده معصوم و آشنایی و
معرفت‌یابی نسبت به فضایل و کمالات آن الگوهای پاک و پایدار،
باید به منبع غنی و الهام‌بخش صفحات تاریخ نورانی آن استوانه‌های
هدایت و فضیلت نظر افکند و بصیرت یافت.

۱. نهج البلاغه، نامه شماره ۳۰.

باید با نگاه به حوادث، پیشامدها و بخش‌ها و کمالات بالنده زندگی آن پیشوایان نور اندیشید و از اقیانوس بیکران معرفت، محبت، علم و عرفان و شوق و شیدایی آن ستاره‌های آسمان ولایت و امامت، درس زندگی توحیدی آموخت.

زیارت جامعه کبیره، از کامل‌ترین و معتبرترین زیارت‌نامه‌ها و به تعبیری، روایت و حدیثی کامل عرفانی، عقیدتی و عرشی از هادی اّمّت، امام علی بن محمد الهادی النقی علیه السلام است که شایسته‌ترین و بی‌نظیرترین سند شیعه از حیث معرفی مقام شامخ اهل بیت عصمت و طهارت به شمار می‌رود.

بلاغت و فصاحت و استحکام و استواری عبارات و فرمایشات آن امام بزرگوار، جامع سلسله کمالات آن کلمات گهربار است.

سالکان کوی دوست و محبان و ارادتمندان به خاندان وحی، برای رسیدن به مقام قُرب الهی و برخوردارگی از مقام محمود اهل بیت عصمت و طهارت یعنی «شفاعت» و بهره‌مندی از هدایت همیشگی پیشوایان نور و هدایت، از زمان امام هادی تاکنون، با توسّل و قرائت این منشور کامل هدایتی و ولایتی، به بزرگ‌ترین و ماندنی‌ترین سرمایه ایمانی دست یافته‌اند.

شیعیان و پیروان اهل بیت با قرائت این زیارت‌نامه کامل، به سودمندترین و شاداب‌ترین احساس حضور در محضر امامان

معصوم که همانا گفتمان عرفانی، معنوی و معرفتی است، نائل شده‌اند که گویی هیچ حایل و حجابی بین مُرید و مُراد وجود ندارد. شیعه نیازهای مادی و معنوی، اجتماعی و فرهنگی و فردی و خانوادگی‌اش را در همه قلمروهای زندگی، از آن خاندان وحی و نبوت طلب کرده و آن بزرگواران نیز اجابت می‌نمایند؛ چراکه هر سلام و عرض ارادت و هر سؤال و درخواست از آنان، همراه با پاسخ و اجابت است.

یا رب از دل‌های ما نور محبت را مگیر

این تجمّع، این توسّل، این ارادت را مگیر

هستی ما بستگی دارد به عشق اهل بیت

هر چه می‌خواهی بگیر اما ولایت را مگیر

در این مقدمه با کسب اجازه از محضر استادان، عالمان، دانشمندان و شارحان زیارت جامعه کبیره، چند نکته را به استحضار می‌رساند:

۱. در طول تاریخ تشیع همچنان که این زیارت‌نامه مورد توجه و توسّل و شیدایی شیعه بوده، عالمان و دانشمندان نیز سعی وافر نموده‌اند تا با قلم و بیان خویش، تألیفات ارزشمندی به‌عنوان شرح و تفسیر زیارت جامعه کبیره، به جامعه اسلامی ارائه کنند که سعی و تلاش همه آنان، قابل قدردانی امت شیعه بوده و هست.

این کمترین نیز با بهره‌گیری از آن اسناد و سایر ظرفیت‌های معارف والای دینی، تصمیم گرفتم سهمی هرچند ناچیز در این

پویش پاک اهل بیتی داشته باشیم؛ لذا از همه استادان دانشگاهی و حوزوی‌ام، از همه مبلغان و فرهیختگان و اهل قلم و مدیحه‌سرایان و از تمامی خوانندگان ارجمند، استدعا دارم ایرادات و اشکالات بنده را تذکر دهند و مرا در این نو سفری، مساعدت نمایند.

همّتم بدرقه راه کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نو سفرم

اگرچه گفته‌اند:

«مَنْ صَنَّفَ فَقَدْ اسْتَهْدَفَ»

هر کس مقاله و کتابی بنویسد، حتماً خود را در معرض تیرهای

اعتراض کنندگان قرار داده است.»^۱

۲. جرّقه اصلی این تألیفات و مجلّدات چندگانه، استمداد

جُستن از ارواح پاک شهیدان و الامقام دفاع مقدّس و شهیدان حرم، و الهام گرفتن از شهیدان شاهدهیه «گرد فرامرز» یزد بود که جلسه اُنس هفتگی زیارت جامعه کبیره، در کنار گلزار شهدا با شرکت انبوهی از مردم متدین و ولایت‌مدار برگزار می‌شد. هم چنین عشق به امامت و ولایت خیر محترم جناب آقای حسن فلاح نجم‌آبادی بود.

۳. سعی و تلاش بنده بر این بوده که در تمامی مجلّدات این

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۶۳.

اثر و صدها بخش این زیارت، نوآوری برای مخاطبان را رعایت کرده باشم، به‌ویژه آن که تمامی فضایل اهل‌بیت همراه با داستان روایی است تا موجب خستگی خوانندگان ارجمند نشود.

۴. از بانی و حامی مالی این تألیفات جناب آقای حسن فلاح نجم‌آبادی و خانواده گرامی ایشان صمیمانه تشکر کرده و ثواب این آثار را برای والدین مرحوم این بزرگوار و کلیه اموات این خانواده خیر، از خداوند منان مسئلت نموده و درخواست فاتحه و صلوات برای آنان دارم.

از خوانندگان عزیز استدعا دارم با قرائت فاتحه و ذکر صلوات همیشگی برای اموات این حقیر و نیز شهدا، امام خمینی و هم‌زمان و روحانیون شهید و سنگ‌سازان بی‌سنگر و اموات و شهدای متعلق به خودتان، بر برکات این اثر بیفزایید.

۵. از استادان و مشاوران به‌ویژه استاد آیت‌الله دکتر حسینی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق و حجت الاسلام حیدری و حجت‌الاسلام رضا اخوی و خانواده صبورم که در ساماندهی این اثر مرا یاری کردند، صمیمانه سپاسگزارم و از خداوند می‌خواهم زندگی و مرگ ما را زندگی و مرگ اهل‌بیت و ما و نسل ما و جوانان عزیز را تا قیامت، بر صراط مستقیم اهل‌بیت عصمت و طهارت ثابت‌قدم بدارد.

با آرزوی طول عمر با عزت برای مراجع عظام تقلید و

استوانه‌های فقه و فقاہت و مقام عظمای ولایت، حضرت آیت الله
العظمی خامنه‌ای مُدَظَّلَةُ الْعَالِي و خاندان شهیدان.

بگذار که بر شاخه این صبح دلاویز

بنشینم و از عشق سرودی بسرایم

آنگاه به صد شوق، چو مرغان سبکبال

پرگیرم ازین بام و به سوی تو بیایم

علی محمد سلطانی

مدرّس دانشگاه و روحانی حج

فصل اول: منزلت شناسی اهل بیت

دیدۀ دلِ گشا که جان بینی
آنچه نادیدنی است آن بینی

قرآن و مقام اهل بیت

خداوند مَنان در عالی ترین و مستحکم ترین سند و حیانی، یعنی قرآن کریم که در بردارنده کامل ترین، جامع ترین و نیز جاودانه ترین دستورها، برنامه ها و امور نظام هستی است، برای استمرار و تکامل بخشی حرکت و اهداف بعثت، به ویژه رسالت سید الانبیاء و المرسلین حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله - تدابیر اساسی و راهبردی به کار بسته تا همواره نظام هستی و گل سرسبد آن، یعنی انسان، به اهداف خلقتش برسد و فلسفه بعثت همه انبیای الهی محقق شود.

شاهکار شگفت انگیز پروردگار برای فلسفه و لزوم وجود پاک اهل بیت به عنوان مترجمان و مفسران وحی الهی و هادیان و رهبران الهی، در آن سند هدایت بشری (قرآن کریم)، مستحکم و رفیع بوده است.

زمانی که زانوی احترام و ادب به پای مکتب وحی و حضرات معصومان بر زمین زده، از آنان حقایق قرآنی و دلایل و علت های اصلی نزول قرآن را، که همانا پوشیده شدن ردای امامت و رهبری بر اندام پاک و نورانی ائمه اطهار است، بخواهیم، آن مفسران ارجمند قرآن، هر مسلمان حقیقت جو را سیراب می کنند.

به عنوان نمونه:

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾^۱

«امامان (ائمه هدی) را پیشوایان انتخاب کردیم تا مردم را به فرمان و دستورات ما هدایت کنند.»

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾^۲

«از آنان امامان [و پیشوایانی] قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند.»

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾^۳

«امروز [روز غدیر] دین شما را [با انتخاب ولایت] برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما اتمام کردم.»

امام صادق ذیل آیه: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ فرمودند:

«به خدا سوگند که ما اهل بیت همان صراط مستقیم هستیم!»^۴

قرآن کریم فرمود:

﴿ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾^۵

«روز قیامت که فرا می رسد قطعاً از نعمت های الهی سؤال

می شوید!»

امام صادق - علیه السلام - ذیل آیه مذکور فرمود:

۱. سوره انبیا، آیه ۷۳.

۲. سوره سجده، آیه ۲۴.

۳. سوره مائده، آیه ۳.

۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱.

۵. سوره تکوین، آیه ۸.

«نَحْنُ مِنَ النَّعِيمِ؛ ما اهل بیت از نعمت‌هایی هستیم که درباره آن‌ها سؤال خواهد شد.»^۱

همچنین، اهل بیت عصمت و طهارت به عنوان کشتی نجات امت معرفی شده‌اند:

﴿وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ﴾^۲

«آن کشتی، آنان را میان امواجی همچون کوه می‌برد و نوح به پسرش که در کناری بود، صدا زد: ای پسرک من! با ما سوار شو و با کافران مباش.»

رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - ذیل این آیه شریفه، دو حدیث را که بر مقام و منزلت اهل بیت دلالت دارد، فرمود:

الف: به درستی که وقتی نوح بر کشتی سوار شد، از غرق شدن خوف و واهمه داشت. حضرت نوح ندا داد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ؛^۳

خدایا! به حق حضرت محمد و اهل بیتش تو را می‌خوانیم و از تو می‌خواهیم که در شرایط سخت ما را از غرق شدن نجات بده.»

ب: پیامبر اکرم ذیل آیه ذکر شده، مثل اهل بیت را مثل کشتی

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۷.

۲. سوره هود، آیه ۴۲.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۶۲.

نوح دانستند که هر کس بر آن سوار شود، نجات خواهد یافت و کسی که از ائمه اطهار تخلف و سرپیچی کند، غرق و نابود می شود. قرآن کریم، مقام و شأن اهل بیت حضرت رسول - صلی الله علیه وآله - را از نظر علمی مورد تأکید قرار داده:

﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾^۱

«حقایق آیات الهی را جز خداوند و کسی که در علم و دانش ریشه دارد، ندانند.»

امام صادق - علیه السلام - ذیل «الراسخون فی العلم» فرمود:

﴿الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ امِيرَالْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَالْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ؛

راسخان در علم، حضرت علی و امامان بعد از ایشان هستند.﴾^۲

ستارگان آسمان ولایت و امامت و مترجمان وحی الهی و آن انسان های کامل و جامع، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت، در قرآن کریم به عنوان وارثان شایسته و خلفای برحق معرفی شده اند:

﴿إِنَّ السَّارِضَ لِلَّهِ يُوْرَثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۳

«به درستی که زمین از آن خدا است. آن را به هرکس از بندگانش که شایستگی و لیاقت داشته باشد به ارث می دهد و فرجام نیکو از آن

۱. سوره آل عمران، آیه ۷. گفتنی است حدیث مذکور را برخی از علمای بزرگ

اهل سنت همچون حاکم نیشابوری در جلد دوم مستدرک آورده اند.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۳.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

پرهیزکاران است.»

از عقاید راسخ و محکم شیعیان این است که بر اساس مصلحت و حکمت الهی و به اذن پروردگار، حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) ظهور خواهند کرد و زمین به نور وجود آن سلاله الانبیاء و المرسلین منور و بساط ظلم و جور و آدمکشی و حقکشی برچیده خواهد شد.

بر این اساس، هر شیعه و مسلمان اهل بیتی در هر شبانه روز، به ویژه در ماه مبارک رمضان و دعای افتتاح، ایام هفته، دعای عهد روز جمعه، دعای ندبه، در زیارت عاشورا و سایر دعاها و زیارات، به ویژه زیارت جامعه کبیره برای تشکیل و زمینه سازی آن دولت حق و تحقق آن دولت الهی، دعا کرده و با اعلام آمادگی، خود را از منتظران و آرزومندان اصلی دولت حضرت مهدی علیه السلام می داند.

حضرت امام محمد باقر - علیه السلام - ذیل آیه ای که اشاره شد، فرمود:

«من و اهل بیت پیامبر اکرم کسانی هستیم که خداوند آنان را وارثان زمین قرار داده و مراد از متقون و پرهیزکاران در آیه ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ همانا ما اهل بیت خاندان رسالت هستیم.»^۱

۱. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۶.

برپایی قیامت و عالم کبری و محشور شدن همگان برای رسیدگی به اعمال و پرونده‌ها، از عقاید قطعی و غیرقابل تردید پیروان قرآن کریم است.

برقراری میزان و ترازوهای عدل پروردگار برای بررسی اعمال و تعیین تکلیف نهایی هر انسان، از جمله مقامات حساس و منزلت‌های مهم و مبارک پروردگار به شمار می‌رود.
قرآن کریم فرمود:

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا﴾^۱

«روز قیامت که فرامی‌رسد، ترازوهای عدل را می‌نهمیم، پس به هیچ‌کس اندک ظلمی نخواهد شد.»

امام صادق - علیه السلام - ذیل آیه شریفه مذکور، دو روایت نقل می‌کنند که بر عظمت مقام اهل بیت عصمت و طهارت دلالت صریح دارد:

الف. منظور از موازین در آیه، همانا انبیای الهی و جانشینان آنان هستند.^۲

ب. به‌درستی که حضرت امام علی - علیه السلام - و امامان معصوم، همان موازین و ترازوهای عدل در روز قیامت هستند.^۳

۱. سوره انبیا، آیه ۴۷.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۳.

۳. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۵۳.

بر این باور، هنگام زیارت امین الله - که بسیار به قرائت آن سفارش شده- خطاب به امام علی - علیه السلام - می‌گوییم:

«السَّلَامُ عَلَي مِيزَانِ الْأَعْمَالِ»^۱

قرآن کریم همراه با اهل بیت عصمت و طهارت به وسیله خداوند برای مردم فرستاده شده، از این رو ولایت این امامان معصوم، همان حقیقت قرآن است و قرآن ناطق بین مردم، همان حجت‌های الهی و اهل بیت پیامبرند.

قرآن کریم فرمود:

«قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ»^۲

«همانا از جانب خدا برای هدایت شما نوری عظیم (رسول بزرگ)

و کتابی به حقیقت آشکار آمد.»

امام صادق - علیه السلام - در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

«بِالنُّورِ النَّبِيِّ وَ اميرالمؤمنين علي و سُلالة المعصومين؛

منظور خداوند از نوری که با قرآن فرستاده، پیامبر اکرم و امیر مؤمنان و

ائمه معصومان است.»^۳

چرایی عدم تصریح نام امامان در قرآن

برای پیروان قرآن کریم معمولاً این سؤال عنوان می‌شود که اهل بیت

۱. نک: مفاتیح الجنان، زیارت امین‌الله.

۲. سوره مائده، آیه ۱۵.

۳. تفسیر روان جاوید، ج ۲، ص ۱۸۸؛ اطیب البیان، ج ۶، ص ۳۲۶.

رسول الله با آن همه عظمت و مقامی که دارند، چرا نام مبارک آنان در قرآن کریم به صراحت آورده نشده است؟

ضمن این که به دلیل جهالت و عدم آگاهی برخی از مسلمانان، متأسفانه این سؤال دستاویزی برای شبهه افکنی های دشمنان اسلام نسبت به تشیع شده است.

در پاسخ باید گفت: پیشینه این سؤال به سال های بسیار دور برمی گردد. جناب ابوبصیر، از روایان حدیث و شاگرد امام صادق - علیه السلام - است، همین پرسش را از بنیان گذار مکتب جعفری پرسید.

امام صادق - علیه السلام - در پاسخ او فرمودند:

«ای ابوبصیر! در قرآن کریم کلیات آمده و بیان و توضیح و تفسیر آن را به عهده پیامبر اکرم نهاده شده و رسول اکرم فرمودند: جانشینان بعد از من، دوازده نفرند که همه آنان از بنی هاشم هستند.»^۱

جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر اکرم می گوید:

زمانی که آیه: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۲ نازل

شد، به رسول اکرم گفتم:

خدا و رسول او را شناخته ایم، اما اسامی اولی الامر که اطاعت

آنان مقرون به اطاعت خدا و رسول شده، چه کسانی اند؟

۱. اسرار آفرینش اهل بیت، ص ۴۴.

۲. سوره نساء، آیه ۵۹.

پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله - فرمودند:

«ای جابر! اولی الامر جانشینان بعد از من هستند. اول آنان علی بن ابی طالب و آخر آنان، همنام و هم کنیه من، محمد بن حسن بن علی و او بقیه الله میان مردم است که خداوند به دستش پرچم توحید را در کره زمین افراشته می‌دارد.»^۱

آری! در قرآن کریم موضوعات کلی همچون نماز، روزه، حج و زکات آمده و مسلمانان را موظف به انجام آن دستورات کرده است، اما تعداد رکعات نماز، حد نصاب زکات، کیفیت برگزاری حج و هزاران موضوع کلی دیگر که به توضیح و تفسیر و بیان جزئیات نیاز دارد، سخنی در قرآن از میزان و مقدار و کیفیت و کمیت به میان نیامده و از پیامبر و اولوالأمر خواسته شده تا آنان را برای مردم و با عنایت به مقتضیات زمان و مکان، تبیین نمایند.

بر این باور، نام مبارک علی بن ابی طالب - علیه السلام - و اولاد معصوم آن بزرگوار را تصریح نکرده و آنچه در قرآن آمده، اطاعت از پیامبر اکرم و جانشینان «اولوالأمر» اعلام شده است.

ضمن این که روایات زیادی از طریق اهل سنت و شیعه وجود دارد که رسول اکرم جانشینان را به نام تصریح کردند.

به عنوان نمونه: همه مفسران قرآن کریم از شیعه و بخش قابل توجهی از علمای اهل سنت، ذیل آیه تطهیر: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

۱. الدعوات، قطب راوندی، ص ۲۵۹.

عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيراً»^۱، گفته‌اند که جانشینان برحق پیامبر خدا، اهل بیت علی بن ابی طالب - علیه السلام - و فرزندان معصومان هستند که سُنَّان هدایت امت را در هر زمان، برعهده دارند.

برخی از مفسران، ذیل آیه دوم سوره عنکبوت: ﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾؛ «آیا مردم چنین می‌پنداشتند به صرف این که گفتند ما به خدا ایمان آورده‌ایم، رها شوند و مورد امتحان قرار نگیرند»، نظریه‌ای عنوان کرده‌اند که می‌تواند در پاسخ به سؤال اولیه، اثرگذار باشد.

آن نظریه این است که خداوند مَنان مسلمانان را به واسطه ولایت علی بن ابی طالب - علیه السلام - که به وسیله پیامبر بزرگوار و به اذن الهی در غدیر خم معرفی شدند، مورد آزمایش الهی قرار داده، تا هرکس به ویژه مسلمانان و صحابه صدر اسلام، نسبت به ادعای ایمان خود مورد امتحان قرار گیرند.

نکته دیگری که در پاسخ به سؤال چرایی عدم ذکر نام ائمه در قرآن می‌توان بیان کرد این است: حضرت علی بن ابی طالب - علیه السلام - به واسطه شدت در حق‌گویی و قاطعیت در سرکوبی دشمنان و مشرکان، پرونده بلندی از جهاد و هجرت و شهادت با

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

خود داشته‌اند، از این رو دشمنان پرکینه و بددل نیز فراوان پیدا کردند.

حال اگر نام مبارک علی - علیه السلام - در قرآن ذکر می‌شد، چه بسا دشمنان قرآن دست به شبهه‌افکنی و تحریف می‌زدند و چون اراده خداوند بر جلوگیری از تحریف لفظی، معنوی و باطنی قرآن است، نام آن حضرت را به صراحت نیاورده است، در حالی که به گفته مفسران، ده‌ها آیه از قرآن کریم در منزلت و شأن حضرت علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - و ائمه هدی آمده است.^۱

به عنوان نمونه، امیر مؤمنان - علیه السلام - می‌فرمود:

«نَزَلَ الْقُرْآنُ أَثَلَاثًا: ثَلَاثٌ فِينَا وَفِي عَدُوِّنَا، وَثَلَاثٌ سُنَنٌ وَأَمْثَالٌ، وَثَلَاثٌ فَرَائِضٌ وَأَحْكَامٌ؛

قرآن در سه بخش نازل شده است: یک بخش آن درباره ما و دشمنان ما است، و بخش دیگر در سنت‌ها و امثال است و بخش سوم، در واجبات و احکام است.»^۲

آخرین پاسخ این که در بسیاری از موارد به دلیل بلاغت در کلام، کنایه‌گویی لازم می‌آید؛ چون در کنایه رمز و اشاره و روش خاصی است که تأثیر بسزایی خواهد داشت و بهتر می‌توان حس کاوشگران و محققان را نسبت به حقایق تحریک نمود، پس

۱. امام خمینی در کتاب کشف‌الاسرار به ۳۷۰ آیه در شأن ائمه اشاره کرده است.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۲۷.

به صورت کنایه، منظور بسیاری از آیات کریمه، حضرت علی - علیه السلام - است.

امامان معصوم، علامت هدایت و نجات

قدر مسلم این که هر انسان در زندگی برای رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت و کسب درجات و کمالات و فتح قله های موفقیت باید سیری طولانی داشته باشد.

همچنان که در مسیرهای جاده ای و بین شهری، علامت ها و نشانه هایی برای حفظ و حراست از خطرات و ایمنی جاده ها نصب شده است، خداوند برای طی مسیر و مسافت کمال و خوشبختی و بهروزی انسان ها علائم و نشانه هایی مقرر کرده که با توجه به آن شاخص ها، مسیر سلامت در دنیا همراه آرامش را به خوبی طی کرده، خود را برای زندگی خوش و خرم در جهان آخرت آماده می کند.

قرآن کریم فرمود:

﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾

«نشانه های زمین مانند کوه ها و جنگل ها و دریاها و ستارگان

آسمان را مقرر داشت تا روز و شب به آنان هدایت یابند.»^۱

در این آیه شریفه، از راه های ارتباطی در زمین و آسمان

۱. سوره نحل، آیه ۱۶.

به عنوان نعمت الهی یاد شده است؛ چون بهترین وسیله پیشرفت و ترقی و رسیدن به تمدن انسانی است.

مگر می شود راه هدایت بشر به صراط مستقیم و رسیدن به اهداف عالی و طی مسیر در این دنیای پرزرق و برق و فتنه و آشوب، بدون راهنما و علامت و نشانه باشد؟!

امام صادق - علیه السلام - ذیل آیه ذکر شده، تفسیری دارند که تکلیف از حیث نشانه و علامت راه کمال و سعادت را دقیقاً روشن کردند.

ایشان فرمود:

«النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ وَالْعَلَامَاتُ هُمُ الْأَيْمَةُ»^۱

منظور از ستاره در آیه مذکور رسول خدا و علامات، همان امامان

معصوم هستند.»

امام معصوم در جامعه، برای انسان مؤمن و مهیای سفر آخرت، حکم راهنما، راهبر و سرپرست را دارد تا او را به مقصد نهایی برساند و در تمام طول مسیر دنیا، او را برای رسیدن به هدف همراهی کند، به شرط آن که توشه راه بردارد و دست در دست امام و راهنما و حجّت خدا بگذارد. در این صورت، اطمینان داشته باشد که این رهبر راستین و دلسوز، در تمام طول مسیر همراه او خواهد

بود.

امام صادق - علیه السلام - فرمودند:

«الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؛

صراط مستقیم و مورد نظر پروردگار [که تنها راه روشن زندگی

است]، ولایت علی بن ابی طالب است [که به بهشت ختم خواهد شد].»^۱

قرآنی بودن ریشه محبت به اهل بیت

من نمی گویم سَمَنَدِر باش یا پروانه باش

به فکر سوختن افتاده‌ای مردانه باش

بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم، حیات دین، حیات

مؤمن و جاودانگی قرآن را ولایت و سرپرستی و محبت و مودت

خاندان رسالت می داند؛ خاندانی که نور واحد و متصل به کانون

اصلی ﴿نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ هستند.

انواری که برای هدایت خلق و رساندن جهان خلقت -

به ویژه انسان‌ها- به اهداف آفرینش، از تمام هستی خویش، حتی از

فرزند و مال و جان خود گذشته‌اند و برای این همه ایثار،

جان فشانی و فداکاری، درخواست مزد، اجر و پاداش ندارند.

دستاوردهای محبت‌ورزی به خاندان عصمت

محبت ورزیدن به خاندان عصمت و طهارت دارای آثار دنیوی و

۱. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۰.

اخروی فراوانی است. از جمله آثار دنیایی عبارت‌اند از: آرامش، سلامتی، سعادت، برکت و روزی در زندگی، کسب هدایت، جلب رحمت و معنویت، تقویت صفا و صمیمیت، صداقت در به‌زیستی و بهتر زندگی کردن در دنیا.

از جمله آثار آخرتی می‌توان به این موارد اشاره کرد: قبولی توبه، مرگ توأم با شهادت، بشارت فرشتگان در زمان سؤال نکیر و منکر، باز شدن دری از بهشت به روی محبت‌ورزان به اهل بیت عصمت و طهارت، امیدواری به رحمت الهی، نائل شدن به شفاعت پیامبر و خاندان پاکش و ...

قرآن کریم، ریشه و اساس محبت‌ورزی و مودت‌گرایی مسلمانان را نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت مورد عنایت قرار داده، فرمود:

﴿قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۱

«بگو از شما اجر رسالت جز این نمی‌خواهم که مودت و محبت مرا

در حق خویشاوندانم منظور دارید.»

مفسران سنی قرآن کریم^۲ منظور از ذوی‌القربی را نزدیکان

پیامبر می‌دانند، اما مفسران شیعه معتقدند:

اول: محبت داشتن به اهل بیت پیامبر، وسیله‌ای برای قبولی

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۲۱.

امامت و رهبری آن‌هاست؛

دوم: اجر و پاداش رسالت، دوست داشتن چیزی است که مردم را به مقام قرب الهی می‌رساند و آن اجر و مزد، چیزی جز مودت، عشق ورزی و ارادت داشتن به این خاندان و پذیرفتن ولایت امامان معصوم نیست.

در زمانی که امام سجاد - علیه السلام - همراه کاروان اسیران کربلا به دروازه دمشق رسیدند، مردی از اهل شام گفت: خدا را شکر که شما را گشت و ریشه‌کن کرد.

امام سجاد - علیه السلام - از او پرسیدند:

«آیا قرآن را خوانده‌ای؟»

پاسخ داد: آری!

حضرت فرمودند:

«آیا سوره‌های حائیم را خوانده‌ای؟»

پاسخ داد: آری!

باز حضرت فرمودند:

«آیا آیه ﴿قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ را خوانده‌ای؟»

مرد شامی گفت: آیا شما کسانی هستید که خداوند در این

آیه به آنان اشاره فرموده است؟

حضرت فرمودند: «آری!»^۱

زبان حال و قال زائر کوی محبت امام حسین - علیه السلام -
این گونه است:

مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم

این گنج پر بهاست من ارزان نمی‌دهم

ای خاک کربلای تو مهر نماز من

این مهر را به ملک سلیمان نمی‌دهم

مردی به محضر مبارک امام صادق - علیه السلام - رسید و از
فقر و تنگدستی خود شکایت کرد. امام به او فرمودند:

«این طور نیست که تو می‌گویی و من تو را فقیر و

تنگ‌دست نمی‌دانم.»

او خطاب به امام صادق - علیه السلام - عرض کرد: ای
سرور من! به خدا سوگند شما از وضع من خبر ندارید و نمونه‌هایی
از فقر خود را بازگو کرد.

امام صادق - علیه السلام - سخن و گلایه‌های ناداری و فقر
را نپذیرفتند و از او پرسیدند:

«اگر صد دینار به تو بدهند حاضری از ارتباط و ولایت‌مداری ما

دست برداری و از ما دور شوی؟»

آن مرد پاسخ داد: نه!

امام صادق - علیه السلام - پیوسته رقم دینارها را بالا بردند تا به هزارها دینار رسید تا او بگیرد و از ولایت و دوستی با اهل بیت عصمت و طهارت دست بردارد.

مرد به ظاهر فقیر و در واقع ثروتمند قسم یاد کرد که حاضر نیست با این مبالغه گفت، از ولایت ائمه اطهار دست بردارد. در این شرایط که آن مرد از این امتحان سربلند خارج شده بود، امام صادق - علیه السلام - خطاب به او فرمودند:

«آیا کسی که سرمایه بزرگ ولایت و دوستی و چیزی دارد که به هزارها دینار نمی‌فروشد، فقیر است؟»^۱

آری! بزرگ‌ترین سرمایه هر شیعه، دارایی پایا و پویای ولایت و دوستی خاندان پیامبر اکرم، توسل و ارتباط مداوم با آنان است که در جلوه تابناک و آینه تمام‌نمای زیارت جامعه کبیره جلوه‌گری دارد.

معنای ملکوتی آیه «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»

هر انسانی برای رسیدن به رستگاری و سعادت و طی مدارج تکامل و انسانیت، به پاک‌سازی قلب و دل از هر آفت و بیماری روحی و معنوی نیاز دارد.

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۷.

عمده ترین مشکل پیشرفت واقعی هر جامعه و نرسیدن به تمدن انسانی و الهی، کوری و کری چشم و دل و جان است. خدای متعال اگر چشم و گوش و قلب و اعضا و جوارح ظاهری به انسان عطا کرد، ضمن این که برای دیدن ظاهر عالم و ملک و تقویت روابط انسانی و اجتماعی است، باید همین انسان با این عطایای ظاهری، به ملکوت عالم پی ببرد و شناخت پیدا کند. حال اگر چنین فردی که ناتوان از بهره‌برداری از اعضا و جوارح خویش است، باز نتواند قلب و روحش را مدیریت کرده، از آلودگی‌ها حفظ کند، بدون تردید او در این دنیا به مهندسی معکوس معنوی رسیده و هرچه بر عمرش افزوده گردد، جز شقاوت، بطالت و ضلالت نصیبی نخواهد داشت.

بزرگ‌ترین گمراهی‌های تاریخ که سبب بروز خشونت و نزاع و نسل کشی شده، به دست کسانی اتفاق افتاده که با ظاهر و رفتار انسانی، اما با آلودگی‌های نهفته، چند شخصیتی بودن و زاویه داشتن نسبت به اطاعت از خدا و رسولش را بروز دادند.^۱

نگاه ملکی به آیات سوره شمس به ویژه یازده سوگند، ما را به نقش بسیار سازنده و حیات‌آفرین تمام موجودات زنده زمین و

۱. بسیار بجا است که تاریخ سیاه سقیفه بنی‌ساعده، یک بار دیگر با نگاه آیات سوره «شمس» مطالعه شود.

با خورشید و ماه آشنا تر می‌کند.

به پرورش مواد غذایی، پیدایش رنگ‌ها و زیبایی‌ها، تشکیل ابر از اقیانوس‌ها و تبدیل آن به باران، به وجود آمدن باد، انتقال سرما و گرما، باردار شدن نباتات و گیاهان، تشکیل منابع انرژی و قانون جاذبه و دافعه آگاه تر می‌کند؛ همچنان که ما را به شکل‌گیری فصول چهارگانه و اوقات شبانه‌روز واقف می‌کند.

اما نگاه ملکوتی به سوره شمس و بیان سوگندهای الهی، ما را به دو حقیقت جامع و سعادت‌آفرین هدایت می‌کند.

حقیقت اول که از ظاهر آیه: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ به دست می‌آید، به این تعبیر که یازده سوگند، آن‌هم به خورشیدی که طبق نظر دانشمندان، در هر ثانیه چهار میلیون تن انرژی به نه سیاره منظومه شمسی باید برساند؛ خورشیدی که انرژی و حرارت مرکزی آن حدود بیست هزار درجه حرارت و حرارت سطح آن شش هزار درجه سانتی‌گراد برآورد شده است.

این سوگندها باید نتیجه‌اش پاک‌سازی روح و دل از آلودگی باشد، متأسفانه سقیفه‌نشینان بنی‌ساعده به دلیل نفسانیات، خودخواهی‌ها، غرورها و آلودگی‌های روح و جان خویش و بهره‌بردن از فضاهای عطرآگین حضور پیامبر اکرم و شمارش معکوس معنوی، آنان را گرفتار بزرگ‌ترین روسیاهی تاریخی کرد که فاجعه کربلا، یکی از پیامدهای آن مهندسی معکوس معنوی است.

بر این باور، باید همواره کوشید و از نشانه‌های روشن نور تابان خورشید و ماه و زمین و عظمت ظاهری آن‌ها برای خودیابی و خودسازی استفاده کرد و تسلیم و سوسه‌ها و دسیسه‌های رنگارنگ شیطان نشد.

حقیقت دوم بعد ملکوتی آیات سوره شمس، به موضوع سخن ما در این کتاب برمی‌گردد و آن انوار مقدسه اهل بیت و چهارده معصوم است.

وقتی ستاره خورشید با آن مشخصاتی که از آن اطلاع داریم، طلوع می‌کند، به اذن الهی، رفته‌رفته و پی‌درپی تاریکی‌ها را می‌شکافد و از بین می‌برد و در طول روز، همه‌جا را روشن می‌سازد، معصومان نیز چنان تجلی‌بخش و روشن‌گرند که با حضور و حاکمیت خویش، ظلمت و تاریکی را از بین می‌برند و حیات مادی و معنوی مردم و همه موجودات عالم، به وجود مقدس آن‌ها بستگی پیدا می‌کند.

آن روزهای سرد زمستانی و یخ زده عصر جاهلیت که دوران طولانی و بسیار سیاه تاریخ به شمار می‌رود، با وجود و ظهور حضرت رسول خدا و بعثت مبارک ایشان، به نور سعادت و انسانیت تبدیل شد که امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - در نهج البلاغه و در خطبه‌ای مستقل، به تفسیر و توضیح آن عصر جاهلیت و این عصر نورانیت اسلام پرداخته‌اند.

آن روزهای سرد و زمستانی و یخ زده عصر بنی امیه نیز که از انحراف بزرگ تاریخ اسلام در سقیفه بنی ساعده رقم خورده بود، با قیام، حرکت و مجاهدت بی نظیر حضرت سیدالشهدا - علیه السلام - و یاران باوفایش، به عصر بیداری، حرکت و پایداری اسلام و جاودانه شدن تشیع علوی و متکی به غدیر خم منجر شد.

از عقیده عرشی هر شیعه است که با ظهور حجّت خدا و سلالة انبیا و اوصیا، یعنی حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء)، تاریکی ها و گمراهی های تاریخ، به روز روشن تاریخ تبدیل شده و عالم مُلک و ملکوت، در خوان و به پای سفره گسترده آن امام همام، روزی خواهند خورد.

در حدیث معروف وارد شده است:

«بِئْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ؛^۱

به برکت وجود امام عصر تمام موجودات روزی می خورند و به وجود آن امام معصوم، آسمان و زمین پا برجا است.»

مقدماتی که در این بخش بیان شد، ما را به حقیقت اصلی هدایت کرده و برای این که آن عقیده عرشی شیعی تثبیت شده و بارورتر شود، با ذکر حدیثی، معنای ملکوتی «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا» را از قول امام صادق - علیه السلام - بیان می کنیم.

۱. زاد المعاد، علامه مجلسی، ص ۴۲۲؛ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای عدیله.

امام صادق - علیه السلام - دربارهٔ بُعد ملکوتی این آیات فرمود:

«منظور از خورشید در این سوره، رسول خدا است و همچون خورشیدی که به اشیا نور و حیات می بخشد، آن حضرت روشن‌ترین مردم است.

- منظور از ماه «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا» که بعد از پیامبر طلوع کرد و جانشین امام بر حق مسلمانان است و مسئولیت او همانند مسئولیت خورشید است که آن شخصیت، علی است.

- منظور از روز «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» ذُرِّیَّةٔ فاطمه یعنی امامان معصوم از نسل پیامبر هستند.

- منظور از تجلی و روشن‌گری روز، امام عصر است که به امر خداوند متعال مانند خورشید طلوع کرد، سراسر جهان را روشن می‌سازد.^۱

لزوم معرفت‌شناسی نسبت به معصومان

عشق‌بازی کار هر شیاد نیست

این شکار دام هر صیاد نیست

عاشقی را قابلیت لازم است

طالبِ حق را حقیقت لازم است

۱. تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۴۶۷.

حضرات معصومان به لحاظ نفع و سودمندی که برای عالم از جهت معنوی و مادی دارند، وجود پر برکت آنان همانند خورشید است و تنها کسانی از وجود مقدس شان بهره مند می‌شوند که چشم و دل شان باز و بینا باشد و از قوای ادراکی و سمعی و بصری عالم بهره برده باشند.

هر انسان معرفت جو نسبت به انوار هدایت‌گر، وظیفه دارد موانع، آسیب‌ها و آفت‌هایی همچون شهوات نفسانی، علایق مادی و جسمانی و بغض‌های افراطی را از ساخت روح و جان خویش دور کند و روزنه‌های دلش را در مسیر انوار پاک معصومان قرار دهد، تا زیر آسمان پر نور و سراسر هدایت آنان واقع شود.

بدون تردید، همچون فرد معرفت‌شناسی که با سخت‌کوشی، مراقبت نفسانی و ریاضت‌های معنوی توانسته در جاده و مسیر شناخت نسبت به منادیان توحید قرار گیرد، همواره از برکات وجودی آنان و عرفان، توجهات و عنایات ویژه ائمه معصومان برخوردار خواهد بود.

کاسه نعمت آسمان گر بشکنند، فکرش نباش

ظرف دل گر بشکنند، وانگه قیامت می‌کند

داستان روایی (۱)

روزی امام حسین - علیه السلام - نزد اصحابشان رفتند و پس از

حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر، خطاب به آنان فرمودند:
«قسم به خدا، خداوند بندگان را نیافرید مگر برای این که به او معرفت پیدا کنند. وقتی به شناخت و معرفت او پی بردند به عبادت و بندگی او بپردازند.»

در این هنگام مردی از امام حسین علیه السلام پرسید: پدر و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا! معرفت و شناخت خدا چیست؟
حضرت سیدالشهدا - علیه السلام - فرمود:

«معرفت و شناخت مردم هر زمان نسبت به امام زمانشان که اطاعت او بر ایشان واجب است، این معرفت همان است که خداوند آن را در قرآن حکمت نامیده و فرموده است: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾^۱»
با این فرمایش امام حسین - علیه السلام - روشن می شود که اهداف و مفهوم واقعی خلقت و معنای حقیقی بندگی و عبادت خدای متعال، پیدا کردن شناخت و معرفت، محبت و ورزیدن و اطاعت و پیروی کردن از معصومان است.

از همین منظر می توان به تلاش شیطان و جنّ و انس در طول تاریخ بشر پی برد که همواره در منحرف کردن افکار و اندیشه های انسان ها به ویژه جوانان از مسیر بندگی خدا کوشیده و مقام انسان را از اوج گیری و عرفان ورزیدن به هستی بخش

۱. سوره لقمان، آیه ۱۲.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۵.

جهان، بازداشته و در دامن ناپاک شهوات و هواهای نفسانی، زمین گیر کرده‌اند.

خداوند مَنان وضعیت هیچ قوم و گروهی را دگرگون و متحول نمی‌سازد، مگر این‌که خود وضعیت را بر اساس توان و معرفت و شناخت تغییر دهند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۱

انسان می‌تواند راه پیشرفت را با شناخت نسبت به الگوهای پیشرو، یعنی امامان معصوم و یقین پیدا کردن نسبت به این راه مستقیم الهی، مدارج و مراحل سعادت دنیا و آخرت را طی کند؛ همچنان که می‌تواند با فطرت پوشی، هواپرستی و دل‌بستگی به زخارف و علایق دنیا، از مسیر فطرت الهی و شناخت نسبت به استوانه‌های عدل و عدالت دور شود و به سرنوشت گمراهان و مغضوبان عالم دچار شود.

جمعی از اصحاب رسول خدا — صلی الله علیه وآله — از حضرت پرسیدند: چگونه یاران حضرت عیسی روی آب راه رفتند؟ پیامبر اکرم فرمودند:

«اگر یقین آنان از آن نیز محکم‌تر بود، روی هوا هم راه می‌رفتند.»^۲

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲. المیزان، ج ۶، ص ۲۰۰، ذیل آیه ۱۰۵ سوره مائده.

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

خدای متعال فرمود: اگر مردم در مسیر بندگی و اطاعت ما
کوشش و مجاهدت کنند، ما راه های خود را که همان وجود
اهل بیت عصمت و طهارت است، به آنان نشان می دهیم:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۱

حضرات معصومان - علیهم السلام - نیز در حق یکدیگر و
به ویژه نسبت به اجداد و اولاد طاهرینشان، معرفت شناسی و اظهار
ارادت داشتند.

داستان روایی (۲)

عبدالله بن رزین، از اصحاب امام جواد - علیه السلام - می گوید: در
مدینه بودم، امام جواد - علیه السلام - را می دیدم که هر روز به
مسجد النبی می آمد و نزد قبر پیامبر می رفت و به او سلام می کرد،
سپس به طرف خانه حضرت فاطمه زهرا - علیها السلام -
باز می گشت و نعلین خود را از پای بیرون می آورد و در آنجا نماز
می خواند و این روش روزانه آن حضرت بود.^۲

۱. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۹۳.

عبدالله بن عمر می گوید:

در مسجد النبی بودم، دیدم که پیامبر - صلی الله علیه وآله - بر منبر خطبه می خواند. امام حسین - علیه السلام - که طفل کوچکی بود، داخل مسجد شد. از آنجا که جامه و قبای عربی بلند داشت، پایشان در جامه اش گیر کرد و بر زمین افتاد. رسول خدا همین که دید حسین بر زمین افتاد، بی اختیار از منبر فرود آمد و شروع کرد به گریه کردن و آنگاه حسین - علیه السلام - را به سینه چسباند و فرمود:

«ای اصحاب من! سوگند به آن خدایی که جان من در دست قدرت او است، همین که او بر زمین افتاد، گویا دل من از جا کنده شد.»^۱

ضرورت‌های ارتباط با معصومان و آثار آن

با تفکر و تأمل در اجزا و عناصر هستی به خوبی می توان دریافت که بین آن‌ها ارتباطی دقیق و سازنده وجود دارد، به گونه‌ای که ادامه حیات نظام عالم، به ارتباط مداوم و مستمر آن‌ها با یکدیگر بستگی دارد تا هدف‌های عالی خلقت جهان محقق شود.

با کوچک ترین بی نظمی در یکی از اجزای عالم یا در یکی از کرات خلقت، بقیه نیز دچار اختلال خواهند شد؛ البته آن ناظم مدبر و آن قادر متعال با تدبیر و برنامه ریزی الهی خود نمی گذارد ذره‌ای

۱. مجالس المتقین، مجلس ۴۸.

بی انضباطی در عالم پدید آید و همواره بر تقویت ارتباط تمام عناصر و اجزای عالم هستی «فَعَال ما یشاء» است.

جایگاه و شأن و منزلت انسان در این مجموعه به عنوان گُل سرسبد، به شکلی تدوین شده که با بهره گیری از امکانات مادی و معنوی و نیز عقل، علم و سایر ظرفیت‌ها، ارتباطات چهارگانه:

الف. با خدای هستی‌بخش؛

ب. با سایر انسان‌ها؛

ج. با خویشتن؛

د. با طبیعت

را معنا و مفهوم بخشیده، رسالت سنگین خویش را برای تکامل بخشی این روابط، جامه عمل بپوشاند.

سؤال اساسی آن است که انسان برای تحقق این وظیفه خطیر و تداوم و تحکیم این ارتباطات، باید از چه مسیر، با چه نقشه راه و با چه راهنمای مطمئنی عبور کند و بهره ببرد؟

با استفاده از آیات قرآن و احادیث می توان گفت: بهترین و مطمئن ترین راه و مسیر برای رسیدن و رساندن جهان خلقت به رُشد و کمال و ترقی:

اول: انجام عبادت و بندگی خالصانه پروردگار و اطاعت از دستورات الهی است؛

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱

«من جنّ و انس را جز برای بندگی و خضوع و خشوع و معرفت نسبت به خودم نیافریدم.»

دوم: پیروی از پیامبر حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله - و اولیا و اوصیا و امامان معصوم است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۲

«هیچ رسولی و اولوالأمر و امام معصومی نفرستادیم جز آن که به اذن خداوند اطاعت شود.»

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي﴾^۳

«بگو ای پیامبر! اگر به خدا محبت و علاقه دارید باید از من رسول خدا تبعیت و اطاعت کنید.»

بیا که چاره ذوق حضور و نظم امور

به فیض بخشی اهل نظر توانی کرد

با نگاهی به تاریخ صدر اسلام و حوادث و وقایع آن، به ویژه واقعه غدیر و اتفاقات بعد از رحلت حضرت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - می توان به این حقیقت پی برد که هرکس خداشناس تر، عابدتر، زاهدتر و مطیع تر نسبت به پروردگار بود و راه بندگی او را

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲. سوره نساء، آیه ۶۴.

۳. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

با آگاهی همراه با عشق و محبت سرشار پیمود، چنین فرد و جامعه‌ای در تبعیت و اطاعت‌پذیری از پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله - پیشگام‌ترین بوده و در چرخه محبت و مودت به پیامبر رحمت، جزء مؤمنان و مخلصان بوده است.

او اجر و مزد زحمت‌های طاقت‌فرسای رسالت رسول خدا را در قراردادن خود، مردم و جامعه در مسیر تداوم بندگی خدا و تبعیت از پیامبر خدا و ذوی‌القربای آن حضرت، یعنی امامان معصوم - علیهم السلام - دانسته و رشد و کمال و ترقی جامعه اسلامی را در ارتباط حقیقی با برگزیدگان از خاندان رسالت دانسته و پیونددهنده حقیقی همان روابط چهارگانه را معصومان می‌دانند، از این رو با ارتباط‌گیری و ارتباط دادن مردم با این معادن و مخازن علم، وحی، حکمت و مترجمان حقیقی قرآن کریم، علاوه بر محبت‌ورزیدن و عشق و ارادت خالصانه به آنان، معرفت و خضوع و خشوع نسبت به حق تعالی را به اوج و کمال می‌رساندند.

امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«خداوند اشیا و امور عالم را جز با اسپایش جاری نمی‌کند. برای هر چیز سببی و هر سبب شرح و بیانی و نشانه‌ای گویا قرار داده است. هرکس آنان را بشناسد خدای را شناخته و هرکس آن را نشناسد، خدا را نشناخته

است و آن نشانه: حضرت رسول خدا و ما اهل بیت هستیم.^۱

نشانه پیروی از راه کمال و بندگی خدا و راه رشد و شدن و رسیدن و رساندن خود و جامعه به آن سعادت حقیقی، وجود تابناک و خورشیدهای درخشنده عالم هستی یعنی امامان معصوم، از طریق ارتباط دائمی با آنان و ذکر فضایل، مناقب یادآوری کرامت‌ها، شجاعت‌ها، اعجاز و اکرام آن بزرگواران و نیز ذکر مصائب، سختی‌ها، بلاها، موفقیت‌ها و پیروزی‌های دُرّیه‌های پیامبر اکرم - علیهم السلام - است.

در قاموس روایات، از آن نشانه‌های الهی و آن استوانه‌های امید و رحمت، به عنوان صراط مستقیم الهی یاد شده که این نشانه‌ها، متکی به وحی و کانون اصلی هدایت، یعنی پروردگار متعال هستند.

حضرت علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - فرمودند:

«إِنَّا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۲

من صراط مستقیم هدایت هستیم.»

۱. «أَبَى اللَّهِ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ، فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا وَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا وَجَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا وَجَعَلَ لِكُلِّ عِلْمٍ بَابًا نَاطِقًا، عَرَفَهُ مِنْ عَرَفَهُ، وَجَهَلَهُ مِنْ جَهَلَهُ، ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَحْنُ.» کافی، ج ۷، ص ۱۸۳، ح ۱؛ الفصول المهمه فی اصول الائمه، ج ۱، ص ۶۴۶.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۴.

نتیجه: ضروری ترین نیاز هر انسان برای رسیدن به فضیلت و انسانیت، قرارگرفتن در راهی است که تکیه گاه آن وحی الهی باشد، تا با نقشه جامع راه، بتواند از سنگلاخ ها و معبرهای سخت دنیایی به سلامت عبور کرده، به ساحل نجات برسد و این ممکن نیست، مگر این که انسان به مستقرین در این راه که همان الگوهای پایدار خاندان عصمت و طهارت هستند، اقتدا کند.

فیض کاشانی در عظمت این موضوع سروده است:

پیروی رسول حق، دوستی حق آورد

پیروی رسول کن، دوستی خدا طلب

شرع، سفینه نجات، آل رسول ناخداست

ساکن این سفینه شو، دامن ناخدا طلب

داستان روایی (۱)

زید بن صوحان از یاران با وفای امام علی - علیه السلام - زمانی که در جنگ جمل بر اثر ضربات وارده بر زمین افتاد، بی درنگ امیر مؤمنان - علیه السلام - بالای سر غرق به خون او آمد و فرمود:

«ای زید! آیا سفارشی نداری؟»

زید گفت: آیا به پیمانم وفا کردم و شما از من راضی هستید؟

بعد گفت: من وصیتی محضر شما دارم و آن این که:

«خون را از چهره ام پاک نکنید، می خواهم در قیامت بگویم برای

دفاع از ولایت و پیشگامی در مودّت علی، خون‌های جاری شده بر بدنم را شاهد آورده‌ام.^۱

بر این اساس، باید اذعان کرد که عالی‌ترین و عرشی‌ترین جلوه‌های زیبای تمسک و مودّت به اهل بیت و خاندان رسالت، زیارت جامعه کبیره است که می‌توان در سایه‌سار این منظومه منظم معرفتی شیعی، اندیشه کرد، جان گرفت و رفتارهای فردی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و خانوادگی خویش را تنظیم و مهندسی کرد تا به بزرگ‌ترین کارکرد و آثار و ثمره این ارتباط مؤثر در دنیا رسید و در پرتو همین عقیده عمیق عرشی، در روز بازخوانی پرونده محبت و مودّت خویش، آنگاه که در محضر انبیا و اولیا و در آن محشر کبری حضور می‌یابد، از وساطت، شفاعت و خشنودی آن پیشوایان حقیقی صراط کمال، بهره‌مند شود.

قرآن فرمود:

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾^۲

«فردای قیامت هر ملت و جمعیتی با رهبر و پیشوای خود به

صحرای محشر می‌آید.»

حضرت امام موسی بن جعفر - علیه السلام - درباره تمسک

۱. «اذْفُونِي فِي ثِيَابِي فَإِنِّي مُخَاصِمٌ وَلَا تَغْسِلُوا عَنِّي ذِمًّا وَلَا تَنْزِعُوا عَنِّي ثَوْبًا.» وقعه صفین،

ص ۵۵۷؛ قاموس الرجال، ج ۴، ص ۵۵۷.

۲. سوره اسراء، آیه ۷۱.

به اهل بیت فرمود:

«خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما به ما تمسک می‌جویند و بر ولایت ما و برائت از دشمنان ما ثابت قدم هستند.

أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أُمَّةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ
ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

آنان از ما اهل بیت به عنوان امام راضی هستند و ما نیز از آنان به‌عنوان پیرو و شیعه راضی هستیم. خوشا به حال آنان، به خدا قسم آنان در روز قیامت با ما در درجه و رتبه ما هستند!»^۱

داستان روایی (۲)

مرحوم سید میرعلّامی تفرشی از شاگردان برجسته عارف بزرگ مرحوم مقدّس اردبیلی از ارتباط مؤثر استادش با ائمه اطهار - علیهم السلام - چنین نقل کرده است: شبی در صحن مقدّس حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - راه می‌رفتم، ناگاه شخصی را دیدم که به سمت حرم مطهر می‌آید. مقدّس اردبیلی بود، خود را از او مخفی کردم تا نزدیک در حرم رسید و با این‌که در بسته بود، باز شد و مقدّس اردبیلی داخل حرم شد.

دیدم مثل این‌که با کسی صحبت می‌کند. آنگاه از حرم بیرون آمد و در بسته شد.

۱. کمال‌الدین، ص ۳۶۰.

به دنبال او به راه افتادم، به طوری که مرا نمی دید، تا این که از نجف اشرف بیرون آمد و به سوی کوفه رفت تا به مسجد جامع رسید و در محل محراب مسجد که حضرت علی - علیه السلام - شربت شهادت نوشیده بود، قرار گرفت و با شخصی راجع به مشکلات و مسائلی صحبت طولانی کرد و بعد از مدتی بیرون آمد و به سمت نجف روانه شد.

من هم به دنبالش راه افتادم تا این که به مسجد حنانه^۱ رسیدیم. در آن مسجد سرفه ام گرفت، به طوری که نتوانستم خود را نگه دارم، همین که صدای سرفه ام را شنید، متوجه من شد و فرمود: آیا تو میرعلّامی؟

عرض کردم: بله!

فرمود: این جا چکار داری؟

شرح جریان و همراهی با ایشان را بیان کردم و مقدّس اردبیلی را به حق صاحب این قبر، علی بن ابی طالب - علیه السلام - سوگند دادم که اتفاقات این شب را بیان کنند.

او از من پیمان گرفت که تا زنده ام، راضی به بیان آن نیستم. ایشان گفت: برخی مسائل بر من مشکل شده بود و در آن

۱. مسجدی که دیوارش خم شده و علتش این است که وقتی جنازه امام علی - علیه السلام - را برای دفن در نجف اشرف از آنجا عبور می دادند، دیوار این مسجد از روی ارادت به آن حضرت، خم شد.

سرگردان ماندم و در فکر بودم که ناگاه به دلم افتاد به خدمت امیر مؤمنان - علیه السلام - بروم و آن‌ها را از حضرت بپرسم. وقتی به حرم مطهر رسیدم، در حرم بسته بود، به رویم گشوده شد و در حرم مشغول تضرع و مناجات با پروردگار شدم، تا با عنایت الهی، حضرت امیر - علیه السلام - جواب سؤالاتم را بدهند.

در آن حال صدایی از قبر مطهر شنیدم که فرمود:
به مسجد کوفه برو و مسائل را از قائم آل محمد بپرس؛ زیرا امام زمان تو است.

نزد محراب مسجد کوفه آمدم و آن‌ها را از حضرت مهدی علیه السلام پرسیدم، حضرت جواب‌ها را داد و الآن دارم برمی‌گردم.^۱

داستان روایی (۳)

حَجَّاجِ بْنِ یُوسُفِ تَقَفِي یکی از ستمگران خون‌خوار روزگار و از دشمنان سرسخت امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - و شیعیان آن حضرت بود که گروه بی‌شماری از محبان اهل بیت و دانشمندان و بزرگان شیعه از جمله کمیل بن زیاد، قنبر غلام حضرت علی و سعید بن جبیر را به شهادت رساند.

بهترین اوقات حَجَّاجِ زمانی بود که محکوم و مظلومی جلوی

۱. برکات حضرت ولی عصر، از کتاب العبقری الحسان، ج ۲، ص ۶۴.

چشمش به وضع رقت باری به قتل برسد و او با مشاهده جان دادن آن مظلوم، لذت ببرد.

بعد از مرگ این سفاک فاجر، هشتاد هزار زن و مرد زندانی را در زندانش یافتند که شانزده هزار نفر از آنان برهنه بودند.^۱

سعید بن جبیر در فقه و حدیث و نیز تفسیر قرآن مهارت تمام داشت و از مریدان و انسان‌های خالص نسبت به امام چهارم، حضرت زین‌العابدین - علیه السلام - به شمار می‌رفت.

او از ایمان قوی و روح بزرگ و استقامت در دوستی خاندان پیغمبر اکرم و شخص امیرمؤمنان - علیه السلام - برخوردار بود، به گونه‌ای که ضرب‌المثل بود و امام صادق - علیه السلام - فرمود: «علت شهادت سعید بن جبیر این بود که به امام چهارم علی بن الحسین - علیه السلام - ارادت و معرفت می‌ورزید.»^۲

هنگامی که حجاج از میزان معرفت، ارادت و عقیده پاک او آگاه شد، به جاسوسان دستور داد او را دستگیر کنند و نزد او ببرند.

او به اصفهان رفت و مدتی در آنجا پنهان شد. چون حجاج از حضور او در اصفهان با خبر شد، به حاکم آن شهر دستور داد، سعید را دستگیر کرده، به کوفه برگرداند.

سعید از اصفهان به حوالی قم و سپس به آذربایجان و ناگزیر

۱. مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۷۳.

۲. رجال کشی، ص ۱۱۹، رقم ۱۹۰.

به عراق آمد و در قیام علیه حجاج شرکت کرد. آنگاه به مکه رفت و به طور ناشناس، با عده‌ای در مکه اقامت گزید.

خالد بن عبدالله، حاکم مکه از منسوبان به ولید بن عبدالملک مروان و از دشمنان بدانندیش و بی‌رحم نسبت به اهل بیت بود، او سعید را دستگیر کرد و به زنجیر کشید و به کوفه فرستاد.

در کوفه قاریان قرآن و مردم متدین و دانشمندان آن شهر به ملاقاتش شتافتند و او نیز به تبلیغ دین خدا و نقل حدیث پرداخت، تا این‌که او را به شهر واسط، محل اقامت حجاج در نزدیکی بغداد بردند. او علیه سعید سخت برآشف و گفت و گوی خصمانه و کینه‌توزانه‌اش را شروع کرد، تا این‌که از سعید پرسید: ای سعید!

اکنون شقی و بی‌سعادت شده‌ای! عقیده‌ات درباره محمد چیست؟ سعید پاسخ داد: حضرت محمد مصطفی پیامبر رحمت است. پرسید: عقیده‌ات درباره علی چیست؟ آیا در بهشت است یا دوزخ؟

سعید پاسخ داد: اگر می‌توانستم به بهشت یا دوزخ بروم، قادر بودم بدانم چه کسی در بهشت و چه کسی در جهنم است!

حجاج پرسید: درباره ابوبکر و عمر و عثمان چه عقیده‌ای داری؟ کدام‌یک از آنان نزد خداوند پسندیده‌ترند؟ علی یا آنان؟ سعید گفت: به آنان چکار داری، مگر تو وکیل آنان هستی، این را کسی می‌داند که از ضمیر آنان آگاه است.

حَجَّاج ادامه داد: ای سعید! بالاخره من تو را خواهم کشت.
سعید گفت: در این صورت سعادت‌مند خواهم بود؛ زیرا
مادرم نیز مرا سعید نامیده است!

حَجَّاج پرسید: ای سعید! می‌خواهی چگونه تو را به قتل
برسانم؟

سعید گفت: ای بدبخت! تو خود باید نوع آن را انتخاب کنی،
به خدا سوگند! هرطور امروز مرا به قتل برسانی، فردای قیامت به
همان‌گونه کیفر می‌بینی!

حَجَّاج گفت: می‌خواهی تو را عفو کنیم؟
سعید گفت: اگر این بخشودگی از جانب خدا است،
می‌خواهم، ولی از تو نمی‌خواهم.

حَجَّاج طبق معمول جلاد را صدا زد و دستور داد او را در
مقابلش سر ببرند. قبل از این‌که او را گردن بزنند، این آیه شریفه را
تلاوت کرد:

﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ
الْمُشْرِكِينَ﴾^۱

«من روی خود را به سوی کسی گردانیدم و به خدایی روی آوردم
که آسمان‌ها و زمین را آفرید. به او ایمان دارم و از مشرکان نیستم.»
حَجَّاج دستور داد روی او را از طرف قبله برگردانند، در این

۱. سوره انعام، آیه ۷۹.

هنگام، بلافاصله سعید بن جبیر این آیه را تلاوت کرد:

﴿فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾^۱

«هر جا روی بگردانید باز به سوی خدا است.»

حجاج دستور داد او را به رو بخوابانند. باز آیه شریفه سوره

طه را تلاوت کرد:

﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾^۲

«شما را از خاک آفریدیم و به خاک بازمی گردانیم و بار دیگر از

خاک بیرون می آوریم.»

حجاج دستور داد، او را معطل نکنید، زودتر بکشید.

در این هنگام، سعید شهادتین: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ» را بر زبان جاری کرد و در

پایان چنین دعا کرد:

خدایا! به حجاج مهلت مده که بعد از من کسی را به قتل برساند.

او ۴۹ ساله بود که جان به جان آفرین تسلیم کرد و بعد از

شهادتش، حجاج حالش دگرگون و دچار اختلال و حواس پرتی

شد، به گونه ای که پانزده شب بیشتر زنده نبود و در این مدت

فرصت نیافت کسی را به قتل برساند.

حجاج وقتی می خوابید، مرتب سعید بن جبیر، آن شهید

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۲. سوره طه، آیه ۵۵.

مظلوم را در خواب می‌دید که با حالی خشمگین به وی حمله می‌کند و می‌گوید: ای دشمن خدا! گناه من چه بود؟ چرا مرا کشتی؟

حجاج هنگام مرگ، به سختی جان داد؛ گاه بی‌هوش می‌شد و زمانی به هوش می‌آمد تا به درک واصل شد.^۱

دستاوردهای امامت و ولایت در جامعه و مسئولیت ما

همان‌گونه که گذشت، از عالی‌ترین و ماندگارترین معرفت‌ها و اعتقادات دینی ما، معرفت و عقیده پایدار به ولایت ائمه معصومان - علیهم السلام - توسل، محبت‌ورزی و عمل به دستورات آنان است. عرصه تجلی معرفت و محبت و عشق‌ورزیدن به آن مشعل‌داران هدایت جامعه بشری، به شرایط زمان بستگی دارد.

روزی تجلی زیبای آن را در صحنه‌های گوناگون کربلا و جانبازی و عشق به ولایت یاران امام حسین - علیه السلام - باید جست که چگونه به عهد و احساس مسئولیت وفا کردند؛ روز دیگر در تاریخ امت اسلامی فرا می‌رسد که هزاران شاگرد و ارادتمند به امام محمد باقر - علیه السلام - و امام صادق - علیه السلام - با تمام وجود در احیای دین و تشیع، بسیار عالی درخشیدند و هستی خویش را در راه امامت و ولایت نثار کردند و این دوران وفاداری

۱. کامل، ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۳۰.

را تا عصر غیبت صغری و کبری ادامه دادند؛ زیرا امامت را آخرین مرحله سیر تکاملی انسان‌ها و جوامع می‌دانستند، از این رو بر عهد و پیمان خویش پایدار بودند.

در دوران طولانی غیبت حضرت حجّت بن الحسن العسکری - علیه السلام - عالمان و فقیهان متدین، ولایت‌مدار و مطیع، از آزمون‌های سخت محبت و معرفت و دلدادگی به امامت و ولایت، سرافرازانه و پیروزمندانه خارج شدند و در این مسیر، هزاران هزار شهید تقدیم راه ولایت کردند.

اینان به شهیدان اُحد و خیبر و خندق و صفین و کربلا اقتدا کردند و بر عهد خود، پایدار ماندند.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - در نبرد اُحد خواست از حال سعد بن ربیع که مجروح بود با خبر شود. اُبی ابن کعب نزد او رفت، تا نام مبارک پیامبر را شنید، تکانی خورد و گفت: مگر پیامبر خدا زنده است؟

بعد خدا را شکر کرد و گفت: سلام مرا به حضرت برسان و به انصار هم بگویند: مبدا پیمانی را که در عقبه با پیامبر بسته‌اند فراموش کنند. سوگند به خدا! تا وقتی یک نفر از انصار زنده است، اگر خاری به پای پیامبر برود، نزد خدا عذری نیست. پس آهی کشید و شهید شد.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - وقتی با خبر شد، فرمود:

«خدا رحمت کند سعد را که ما را در زندگی اش یاری کرد و درباره ما پس از مرگش، وصیت کرد!»^۱

ویژگی‌های امامت از دیدگاه امام رضا علیه السلام

امامت و مقام ولایت از دیدگاه امام رضا - علیه السلام - دارای یازده ویژگی و خصوصیت ممتاز است:

۱. امامت، مهار و حفاظ دین به شمار می‌رود؛
۲. امامت، باعث انسجام و وحدت مسلمانان خواهد شد؛
۳. اصلاح دنیای مردم به مقام امامت بستگی دارد؛
۴. عزت مؤمنان با امامت تضمین می‌شود؛
۵. امامت، اساس و پایه اسلام بالنده و ناب است؛
۶. از فروعات بلند مرتبه اسلام، امامت است؛
۷. به واسطه ولایت، نماز به کمال می‌رسد؛
۸. رشد زکات در جامعه با ولایت محقق می‌شود؛
۹. روزه و احکام آن با امامت به کمال می‌رسد؛
۱۰. انجام حج در ظل توجهات امام و ولایت اولیای الهی صورت می‌گیرد؛
۱۱. پرچم جهاد و مبارزه با دشمنان به دست امامت است.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۶۲.

۲. گفتار رفیع، ص ۴۹؛ الاصابة فی معرفة الصحابه، ج ۴، ص ۶۵.

جایگاه امام معصوم در جامعه

مقام امامت و ولایت، ریشه در وحی و قرآن و روایات دارد.

امام معصوم - علیه السلام - در جامعه:

اول: انسان کامل و جامع از هر حیث است؛ از این رو بعد از

خداوند، به همه امور اشراف دارد؛

دوم: امام کسی است که زنده و مرده او یکی است، همان گونه

که در زندگی دنیایی سخن گویندگان را می شنود، بعد از مردن نیز

کنار قبرشان ایستاده، می گوئیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ سَلَامِي وَ تَشْهَدُ كَلَامِي»^۱.

هنگام قرائت زیارت جامعه کبیره و سلام دادن به چهارده

معصوم، روایات زیادی وجود دارد که نشان می دهد ائمه هدی -

علیهم السلام - صدای مردم را از دور و نزدیک می شنوند.

سوم: امام کسی است که ۷۲ نوع اسم اعظم الهی در اختیارش

است.

حضرت امام باقر - علیه السلام - فرمود:

«اسم اعظم خداوند بر ۷۳ حرف است و نزد آصف بن برخیا، وزیر

حضرت سلیمان فقط یک حرف از آنها بوده، همان حرف را به زبان

آورده، زمین مابین او و تخت بلقیس فرو رفت و تخت را با دستش

برداشت، سپس در کمتر از چشم به هم زدن، زمین به حالت اولیه برگشت.

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۴.

از آن ۷۳ حرف، ۷۲ حرف آن نزد ما اهل بیت است و یکی نیز نزد خداوند است که در علم غیب مخصوص خود او است.^۱

چهارم: امام معصوم - علیه السلام - همان شخصیت ارجمندی است که اعمال مردم از طرف خداوند به طور شبانه روز بر آن بزرگوار عرضه می شود؛ از دیدن اعمال خوب مردم خوشحال و از دیدن اعمال بد آنان ناراحت و غمگین می شوند.

داستان روایی (۱)

عبدالله بن أبان زیات، از اصحاب امام هشتم علی بن موسی الرضا - علیه السلام - که از روایان صاحب مقام در شیعه است، می گوید: به امام عرض کردم: یا بن رسول الله برای من و خانواده ام دعا کنید.

حضرت فرمودند:

«مگر دعا نمی کنم؟ به خدا سوگند اعمال شما مردم در هر شب و روز بر من نشان داده می شود. مگر قرآن نمی خوانی که خداوند فرمود: ﴿قُلْ اَعْمَلُوا فَسَبِّرَیْ اِنَّهُ عَمَلْکُمْ وَّ رَسُوْلُهُ وَّ الْمُؤْمِنُوْنَ﴾^۲

امام رضا - علیه السلام - در ادامه فرمودند:

«به خدا سوگند، منظور از الْمُؤْمِنُوْنَ در این آیه، امام علی است.»^۳

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

مفسران قرآن از جمله مرحوم فیض در کتاب وافی می گوید:
منظور از «مؤمنون» که بعد از «رسوله» است، علی و اولاد
علی است.

داستان روایی (۲)

جناب داوود رقی، از اصحاب امام صادق - علیه السلام - می گوید:
روزی در محضر امام صادق - علیه السلام - نشسته بودم،
ایشان بدون مقدمه فرمودند:

«داوود، روز پنجشنبه اعمال شما بر من نشان داده شد، دیدم تو با
عموزادهات احسان و محبت می کنی. از این عمل تو شادمان شدم، این
احسان تو سبب می شود تا اجل عموزادهات، زودتر فرارسد.»

داوود می گوید: عموزاده ام فردی بود معاند و خبیث، به من
گفته بودند که او و عیالش در مضیقه هستند. من هم قبل از این که
به سفر حج مشرف شوم، پولی برای او فرستادم.^۱

پنجم: امام معصوم همانند انبیای الهی، از علم غیب آگاهی
دارند.^۲

امام علی بن ابی طالب - علیه السلام - در خطبه ای فرمود:

«وَمَا سِوَى ذَلِكَ فَعَلِمَ عِلْمَهُ اللَّهُ نَبِيَّهُ فَعَلِمْتِيهِ؛^۳

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۳۹.

۲. انبیا و ائمه اطهار نیز از علم غیب مخصوص خداوند آگاهی ندارند.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

خداوند همه علوم غیب، غیر از علم غیب مخصوص خودش، آن‌ها را به پیامبر بخشید و آن را آموخت، ایشان نیز به من تعلیم فرمودند.»

داستان روایی (۳)

حضرت علی - علیه السلام - هنگام دستور حمله به خوارج نهروان، به اصحابشان فرمودند:

«قتلگاه خوارج نهروان در کنار نهر خواهد بود. به خدا سوگند ده نفر از آنان نجات نخواهند یافت و ده نفر از شما از اصحاب کشته نخواهید شد.»^۱

ابن ابی الحدید معتزلی، دانشمند بزرگ اهل سنت می‌گوید:
گفتن این سخن در آن روز جنگ، بزرگ‌تر از کلهکشان‌ها بود. وقتی جنگ واقع شد، از خوارج فقط نه نفر باقی ماندند و از یاران حضرت علی بن ابی طالب - علیه السلام - فقط هشت نفر شهید شدند. این از اخبار متواتر و مشهور و از جمله معجزه‌ها و اخبار غیبی آن بزرگوار است.

ابوبصیر می‌گوید: در شهر مدینه که وارد شدم، کنیزی داشتم، با او نزدیکی کردم. خواستم به حمام بروم و غسل کنم. عده‌ای از یاران خدمت امام صادق - علیه السلام - مشرف می‌شدند، ترسیدم اگر تأخیر کنم، زیارت آن بزرگوار برایم میسر نشود، پس با همان

۱. همان، خطبه ۶۹.

حالت جنب مشرف شدم.

امام - علیه السلام - به محض دیدنم فرمود:

«بابصیر! آیا نمی دانی به خانه انبیا و اولاد انبیا نباید با حالت جنب

و ناپاکی وارد شوی؟»

ابوبصیر می گوید: شرمنده شدم و از آن امام همام عذرخواهی

کردم و گفتم، دیگر تکرار نمی شود.^۱

امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«الواح موسی بن عمران و عصای او نزد ما است، ما ورثه انبیای

الهی هستیم.»^۲

علاوه بر مقامات و شئوناتی که به صورت بسیار مختصر در

خصوص امام معصوم برشمردیم، آن بزرگواران به مدد و اذن

پروردگار، دارای دهها مقام و موقعیت ممتاز دیگر هستند. از جمله:

آگاهی نسبت به زمان رحلت خویش، طی الارض کردن، فهمیدن

زبان حیوانات و سخن گویی با آنها، شنیدن صدای ملائکه الهی و

ارتباط با وحی و... که توضیح و تفسیر آن در تبیین بخش‌های

زیارت جامعه کبیره خواهد آمد.

آخرین نکته در باب مسئولیت‌شناسی نسبت به مقام امامت،

موضوع منصب الهی آن بزرگواران است.

۱. ر. ک: بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۵۵.

۲. روضة الواعظین، مجلس ۲۳، ص ۲۵۱.

پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله - از جانب خداوند امام معصوم - علیه السلام - را تعیین می‌شود و هیچ کس حق انتخاب امام را ندارد. امامت و ولایت، از جنس نبوغ و گسترش فکری و عملی نیست که هرکس با کار و تلاش سعی کند به امامت برسد.^۱

منشور ولایت، همگام با زیارت جامعه کبیره

اگر کسی بخواهد با بررسی، مطالعه و تحقیق از بین صدها آیه قرآن کریم، هزاران حدیث نورانی، صدها کتاب، هزاران روایت داستانی و حکایت های تاریخی، فضائل، کمالات و مقامات امامان معصوم را گرد آوری کند و سپس به شرح و توضیح آن بپردازد، به نظر می‌رسد تنها به زاویه‌ای از زوایای وجودی آن پیشوایان الهی برسد و مخاطبان را بهره‌مند کند؛ اما امام هادی - علیه السلام - با اتصال و اتکا به وحی الهی و نبوت و نیز کرامت و اعجاز کلامی خویش، موفق شدند در چندین برگ زرین زیبا و با عباراتی روان و گویا، دریچه‌ای طلایی به روی وجود همه انسان‌های تشنه محبت به اهل بیت عصمت و طهارت بگشایند و از دریای زلال معارف الهی بهره‌مند گردانند.

حضرت توانستند اقیانوس بیکران از حقایق و معارف بلند و

۱. در خصوص اثبات منصب الهی امامت از دیدگاه قرآن، در صفحات گذشته مباحثی عنوان شد و در فصل‌های بعد نیز به آن خواهیم پرداخت.

کمالات بی نظیر خاندان رسالت را در این منشور ولایت، یعنی زیارت جامعه کبیره نصیب نسل های بشری کنند.

از مرحوم علامه امینی نویسنده کتاب الغدير نقل شده است:

کسی که زیارت جامعه را بخواند و بداند که چه می گوید،

این فرد شیعه بی سواد نیست؛ چراکه می داند دین یعنی چه!

عظمت و اعجاز بیانی امام هادی - علیه السلام - در این

زیارت جامعه را می توان به چند بخش کلی تقسیم کرد و آن را در

موارد ذیل به صورت خلاصه و فشرده آورد و آنگاه به شرح و

توضیح آن پرداخت.

مبنای شرح ما در این زیارت نامه، بر اساس بیان وارد شده از

امام معصوم، هادی ائمت است و در نوشتار حاضر، از تفسیر و

توضیح موضوعی پرهیز شده است.

ویژگی های زیارت جامعه

در بخش های زیارت جامعه، اطلاعات کلی و کاربردی است که در

هیچ زیارت نامه دیگر، بدین گونه یافت نمی شود:

۱. از ۱۱۰ بخش کلی و ۴۵۰ موضوع مطرح شده توسط امام

هادی - علیه السلام - صدها صفت و کمال و مقام از مقامات و

کمالات بی نظیر انسانی درباره حضرات ائمه معصومان در این زیارت

آمده که با «بِضَاعَةِ مُرْجَاةٍ» در این چند جلد، با استناد به آیات و روایات

- و نیز داستان‌های روایی و روایات، به شرح و توضیح آن پرداخته‌ایم.
۲. این که زائران، قاریان زیارت جامعه و عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت بتوانند در یک گفت‌وگوی رودررو و تعامل کلامی، اعتقادات و آرمان‌های الهی خود را به محضر آنان تقدیم کنند و در آن بخش‌های این گونه‌ای، زائران و محبان به جان‌فشانی خویش و پدر و مادر و اهل و عیال با جملاتی همچون: «بأبي أئتمَّ و أمي و أهلي و مالي و أسرتي» آن گفت‌وگو را به اوج عرفانی و معرفتی برسانند، تنها در زیارت جامعه کبیره بدین صورت ممکن می‌شود.
۳. بخش قابل توجهی از زیارت جامعه، دعاها، مسئلت‌ها و درخواست‌ها است و این که آن استوانه‌های فضیلت و تقوا را وسیله تقرّب، توسّل و استجاب دعاها قرار دادن است و در همین بخش کلی، زائر به کوتاهی‌ها و لغزش‌های خویش اشاره دارد و از خداوند می‌خواهد با عنایت به رابطه‌اش با امام معصوم یا «ولی‌الله»، گناهان بین او و خدا را ببخشد و او را به مقام عارفان در حقّ ائمه اطهار درآورد.
۴. اگر زیارت جامعه را به ۱۱۰ بخش تقسیم کنیم، برای هر بخش، آیه یا آیاتی از قرآن را می‌توان به استشهاد گرفت و مصدق کمالات و مقامات امامان معصوم - علیهم السلام - را با آن آیات تطبیق کرد، تا ذهن مخاطب را بین ثقل اکبر (قرآن کریم) و ثقل اصغر (عترت) پرورش داد و متوجه کرد و از سوی دیگر، به

استحکام حدیث ثَقَلَيْنِ (یا ثَقَلَيْنِ) که از سوی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - صادر شده، بیشتر پی برد و به شبهات و هابیت، که اهل بیت را از قرآن جدا می دانند و بر گمراهی خود و مردم می افزایند، پاسخ داد.

بر این باور، این ویژگی را تنها در دانشگاه عترت و قرآن زیارت جامعه می توان به خوبی تعلیم یافت و دانشجویان فراوانی را در طول تاریخ، بر اساس مکتب امام هادی - علیه السلام - فارغ التحصیل کرد.

به عنوان نمونه:

آیات قرآن	زیارت جامعه کبیره
«رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (سوره هود، آیه ۷۳) «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (سوره انعام، آیه ۱۲۴)	«السلام عليكم يا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ» «وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ»
«وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۴) «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (سوره اعراف، آیه ۱۸۰)	«وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ» «الدَّعْوَةَ الْحُسْنَىٰ»
«يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ... وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...» (سوره مائده، آیه ۵۴ و سوره بقره، آیه ۱۶۵)	«التَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ صِرَاطِهِ...»

آیات قرآن	زیارت جامعه کبیره
«أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ... وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا» (حمد، آیه ۶ و انعام، آیه ۱۵۳)	«و الادلآءَ علی صراطِهِ»
«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (سوره احزاب، آیه ۳۳)	«أَذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا»
«فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» (سوره قمر، آیه ۵۵) «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» (سوره نساء، آیه ۱۴۵)	«وَ صِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ» «وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ»

۵. پنجمین نکته از اعجاز بیانی امام هادی - علیه السلام - این که تنها زیارتی است که تمام موضوعات و مباحث مورد نیاز انسان یا جامعه اسلامی و حتی از آن بالاتر، نیازمندی های تمدن و پیشرفت بشری، در آن ذکر شده است.

امام هادی - علیه السلام - در زیارت جامعه کبیره، با علم الهی، نظریه سازی و نظام سازی را بر مبنای خودسازی و جامعه سازی بیان کرده و به روابط گوناگون انسان اشاره کرده است. زیارت جامعه، تنها زیارت نامه ای است که در اوج امام شناسی و ولایت مداری، به آثار و برکات امام معصوم، توحید شناسی، نبوت محوری، معاد شناسی و اصول و فروع دین، به نحو اکمل و اتم پرداخته است.

زیارت جامعه کبیره در یک نگاه

اگر زیارت جامعه را به ده‌ها عنوان و مسائل کلی و به عبارتی، به موضوعات محوری تقسیم کنیم، کلمات و جملات نورانی امام هادی - علیه السلام - شامل عناوینی می‌شود که در چند مجلد به آن پرداخته‌ایم و خوانندگان ارجمند می‌توانند جهت مطالعه، با انتخاب موضوع مورد علاقه خود، به جلد مربوطه و موضوع عناوین مراجعه کنند. البته این سخن بدین معنا نیست که همه موضوعات گردآوری و تدوین شده باشد، هنوز این زیارت مبارک، تحقیق و تبیین بسیار می‌طلبد.

بر این اساس، عناوین و موضوعات محوری این زیارت به این شرح است:

موضوع اول: رابطه امامان معصوم - علیهم السلام - با توحید و ربوبیت، شهادت به یگانگی خداوند، اقرار به یکتایی خالق، لزوم دوری کردن از شرک، توکل و اعتماد به خداوند، خدا را به صفات مختلف خواندن، دعا کردن و پناه‌جویی از پروردگار و استغفار و طلب مغفرت از خداوند.

بر محبان و دوستان اهل بیت لازم است با توشه‌گزینی از این بخش‌های توحیدی زیارت جامعه، زندگی را توحیدی و الهی کنند و همین نگرش توحیدی امام هادی - علیه السلام - در زیارت جامعه، بهترین پاسخ به شبهه‌افکنی وهابیت است.

موضوع دوم: عنایت‌ها، عطایا و فیوضات پروردگار به امامان معصوم و مصونیت بخشی به پیشوایان دین در قلمرو عصمت، علم، تقوا و واسطه فیض قرارداد آن بزرگواران برای مردم.

زائر زیارت جامعه کبیره از این بخش‌ها می‌آموزد تا با پرهیزکاری، تقوا، توسل و اقامه حدود الهی، مشمول فیوضات و عطایای پروردگار قرار گیرد.

موضوع سوم: صفات تجلی یافته از خداوند متعال در وجود امامان معصوم - علیهم السلام - است که آن بزرگواران به واسطه این امتیازها و صفات، دارای مقامات و ویژگی‌های بی‌بدیل شده‌اند. بخش عمده ای از ۴۵۰ ویژگی زیارت جامعه، به این عناوین اختصاص یافته است که امام هادی - علیه السلام - به زیبایی آن را مورد نظر قرار داده است.

موضوع چهارم: رابطه امامت با نبوت است که با تعبیر «اهل بیت النبوه» شروع می‌شود و در بخش‌های گوناگون زیارت جامعه، این رابطه را مستحکم می‌کند؛ آن‌هم با واژه زیبای «سلام».

موضوع پنجم: بیان آثار و برکات وجودی امام معصوم - علیه السلام - در جامعه و بازتعریف آن در امتداد مسیر نبوت برای مردم و اهل عالم و نیز عملکرد رفتاری ائمه اطهار در زمینه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و ارشادی و نجات جامعه و مردم از گمراهی، همراه با نوید دولت پایدار و لزوم

الزامات برپایی آن دولت عدل و عدالت گستر در عصر ظهور.

موضوع ششم: عنوان دیگری که در زیارت جامعه کبیره به آن پرداخته شده، موضوع وظایف امت ها نسبت به امامت امامان معصوم است؛ از محبت ورزیدن، ولایت مداری، تولی، لزوم پناه جویی از آنان، توسل و تمسک و درخواست شفاعت و... گرفته، تا برائت و بیزاری از دشمنان اهل بیت و جداکردن صفوف شیعه با مارقین، قاسطین، ناکثین، شکین، منحرفان، ائمه نار و طاغوت های هر زمان.

موضوع هفتم: اوج عشق بازی و عرفان عملی زائران زیارت جامعه کبیره، آمادگی برای جان فشانی و فداکاری در راه خاندان عترت و نبوت و تکرار: «بأبی أنتم و أمی و نفسی» و ذوب در ولایت معصومان شدن و در نهایت، از خداوند درخواست توبه و پذیرش عذر و تقصیر کردن، با وساطت و عنایت امامان معصوم.

موضوع هشتم: آماده کردن شیعیان برای دولت حضرت مهدی - علیه السلام - و امیددادن به آینده ای درخشان و طلایی را می توان در بخش های گوناگون زیارت جامعه، به وضوح مشاهده کرد؛ همان طرح و برنامه ریزی که امام هادی - علیه السلام - در عصر امامت خویش انجام دادند و به صورت های گوناگون، مردم را آماده عصر غیبت فرزند خویش می کردند.

فصل دوم:

جایگاه زیارت در منظومه فکری شیعه

معنا و مفهوم زیارت (مفهوم‌شناسی زیارت)

از بهترین شیوه‌ها و راه‌های بزرگداشت مفاخر، مشاهیر و صاحبان کمال و فضیلت، زیارت آن بزرگواران است که موجب استمرار و تداوم حیات معنوی، علمی، هنری و فرهنگی آنان می‌شود.

با زیارت آنان، پیوند نسل حاضر و نسل‌های آینده با گذشتگان تقویت می‌شود و مستحکم‌ترین وسیله ارتباط روحی با افکار و آرمان‌ها و کمالات و فضایل و روحیات و سبک زندگی آنان برقرار می‌شود.

«فیومی» در کتاب المصباح المئیر در باره واژه زیارت از دیدگاه و عرف مردم می‌گوید:

زیارت در عرف آن است که انسان با قصد و انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او به وی روی آورد.

در اهمیت زیارت همین بس که قرآن کریم آن را به عنوان ملاقات و دیدار کردن یاد می‌کند:

﴿الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ، حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾^۱

۱. سوره تکاثر، آیات ۱ و ۲.

«افزون طلبی [و تفاخر] شما را به خود مشغول داشته [و از یاد خدا غافل کرده است]، تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید.»

دو طایفه از قریش به نام‌های «بنی عبدِ مناف» و «بنی سهم» با یادکرد و بزرگ‌نمایی بزرگان و افراد قبیله خود، بر یکدیگر فخر می‌فروختند. زمانی که بنی سهم در این مقابله شکست خورد، به قبرستان رفته، شروع به شمارش قبرهای خود کردند و از این طریق، سعی در جبران ضعف خود در مقابل عبدمناف کردند؛ از این رو قرآن کریم این حرکت آنان و به سراغ کس یا چیزی رفتن و دیدار و ملاقات کردن را، زیارت «ژرتم» نامیده است.^۱

نتیجه این که در زیارت جامعۀ کبیره و هر زیارت معتبری که نسبت به معصومان وارد شده، فرد زائر هرچند که از راه دور باشد، آن قدر مقام رفیع پیدا می‌کند که در حقیقت با آن مشعلداران هدایت بشری، ملاقات و دیدار می‌کند.

امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«به مدینه بروید و بر پیامبر اکرم سلام و صلوات بدهید، هرچند

سلام و درود شما از راه دور باشد، به آن حضرت می‌رسد.»^۲

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - در اهمیت زیارت در زمان

حیات یا بعد از شهادت معصومان - علیهم السلام - فرمود:

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۶۹.

۲. الغدیر، ج ۵، ص ۹۳.

«یا علی! هرکس مرا در زمان حیات یا مرگم زیارت کند یا تو و فرزندان تو را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می‌کنم او را از سختی‌ها و شداید روز قیامت نجات دهم، تا آن‌که او را هم درجه خودم می‌گردانم.»^۱

مفهوم و معنای زیارت از جهت دیگر نیز قابل دقت است: هنگام زیارت و سلام دادن، نوعی هم درجه شدن با آن معصوم شکل می‌گیرد و این امر مهم، تصادفی و بدون حساب نیست، بلکه از روی قاعده و قانون زیارت است؛ از این رو در ابتدا و هم زمان با زیارت خوانی، باید هم سنخی، همگنی و هم قدمی روحی، معنوی و اخلاقی انجام شود و زائر بکوشد با متن خوانی زیارت‌نامه، در پاک کردن دل و جان خویش از آلودگی و آراسته شدن به زینت‌های اخلاقی مزور (زیارت شده) خود را بیاراید. آن‌گاه است که مقام زائر و سلام‌دهنده، به ثواب بزرگ و بی نظیر که همانا ملاقات با خدا در عرش برتر است، نصیبش می‌شود.

امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«کسی که زیارت رسول خدا و یا یکی از ائمه را انجام دهد، در ثواب همانند کسی است که در عرش با خدا ملاقات کند.»^۲

یکی دیگر از معانی و مفاهیم زیارت، اظهار ارادت، ذکر

۱. وسایل الشیعه، باب زیارت، باب ۲.

۲. اصول کافی، ج ۴، ص ۹۸۵.

اوصاف، نیکی‌ها و ثناگویی از روی محبت و علاقه به معشوق صالح، آن‌هم از سوی عاشق صادق است.

این وظیفه سنگین، بر عهده عاشق دلداده و شیدای شورآفرین است که دوستی و علاقه عمیق و مودت مهرآمیز خود را در قالب کلمات و جملات تولی‌آفرین و تبری‌زا بی‌آورد و دائم در طولانی کردن این گفت‌وگو و این منشور عشق و ارادت، بیفزاید.

جالب این‌که در زیارت **جامعه کبیره**، شعاع شعله‌های شورآفرین ارادت‌ورزیدن به شخصیت‌های تاریخ‌ساز و صالحان عالم یعنی ائمه هدی، طولانی و بسیار ممتد است؛ هم به لحاظ کلمات و جملات عمیق و عرفانی صادرشده از امام معصوم حضرت امام علی النقی - علیه السلام - و هم به لحاظ بخش‌های بلند با قلمرو وسیع در حوزه‌های خداشناسی، امام‌شناسی و معرفت‌شناسی که تمام این زیارت‌نامه، گویای دعوت‌نامه کمال‌هر انسان است و این کمال و تکامل، همان متخلّق شدن به اخلاق الهی و خدایی شدن انسان زائر است.

به‌عنوان مثال: خواننده دعای جوشن کبیر با ذکر اوصاف و کمالات پروردگار متعال و شمارش این اسماء و صفات هزارگانه، تصمیم دارد ضمن بهره‌مندی از ثواب قرائت این دعای پر مضمون، خود را نیز متصف و متخلّق به اخلاق و آداب الهی کند، زیرا این دعا دعوت‌نامه پروردگار برای بندگان است، لذا شعاع شعله‌های

نورآفرین بخش‌های سراسر عرفانی و عقیدتی جوشن کبیر، وجود عاشق ارتباط با حضرت دوست را فرا می‌گیرد.

در زیارت جامعه کبیره نیز زائر می‌کوشد در این ارتباط شورآفرین و طولانی، خویشتن را به مظاهر اسماء الهی و عروۃ الوثقای پروردگار و مترجمان وحی و صراط مستقیم الهی، نزدیک و مقرب‌تر نماید.

هر که خواهد هم‌نشینی با خدا

او نشیند در کنار اولیا

بعد دیگر معنا و مفهوم زیارت و عرض اخلاص و ارادت به مشعل داران هدایت و پیشوایان معصوم، محرم شدن با اهل بیت عصمت و طهارت، کسب نورانیت از آنان و راه یابی به ابواب رحمت و اسعه آنان است.

قرآن کریم در خصوص راهیابی به حریم فرزنانگان عالم وجود و اهل بیت عصمت و طهارت، به اصل مهم محرمیت اشاره می‌کند:

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^۱

محرم شدن به حریم یار، پاکیزه‌دلی، پاکیزه‌خوری و پاک بودن می‌طلبد و هر انسان پاک‌شده، به‌یقین مورد عنایت حضرات

۱. سوره واقعه، آیه ۷۹.

معصومان - علیهم السلام - است.

ائمه معصومان - علیهم السلام - به قدری کریم و بزرگوارند که چه بسا در همان قدم های اولیه انسان که از طریق حضور در برنامه های عرفانی زیارت جامعه، عشق ورزی، طولانی کردن عاشقی با آنان، سلام دادن های پی در پی و ارتباط مداوم و محبت آمیز صورت می پذیرد، این امکان و قابلیت فراهم می آید تا اهل بیت اجابت کرده، فرد زائر را همراه، هم نشین و مانوس با خود بدانند. در طول تاریخ، شخصیت ها، بزرگان و انسان های عادی و عارفی بوده اند که با طهارت گزینی و عشق پروری در خویشتن و پاک کردن دل و جان و مال و مقام از دنیا پرستی، توانستند به حریم یار و محبوبان الهی وارد شده و لذت وصل قطره ها را به اقیانوس وجودی آنها را درک کرده و بهره مند شوند.

داستان روایی

در زمان مرحوم علامه امینی صاحب کتاب ارزشمند الغدیر، وزیر معارف و فرهنگ کشور عراق که فردی سنی مذهب بود، تنها پسرش به بیماری مبتلا شد. همه پزشکانی که به آنان مراجعه کرده بودند، جواب منفی دادند. وزیر تصمیم گرفت با توجه به شهرت علامه امینی، نزد او برود و برای فرزند بیمارش استمداد و استشفای بطلبد. نامه ای به علامه نوشت و موضوع را عنوان کرد و نوشت: فرزندم در حال مردن است، شما می توانید از طریق حضرت علی - علیه السلام - جواب

بگیرید؛ زیرا کسی هستید که ارتباط قوی با مولایتان دارید.

مرحوم علامه نامه را گرفت و پی نوشت کرد:

«بسم الله الرحمن الرحيم، خداوند به برکت امیرالمؤمنین علی

بن ابی طالب - علیه السلام - فرزند شما را شفا خواهد داد.»

علامه امینی بلافاصله عازم حرم امام علی - علیه السلام - شد

و با زیارت و عرض ارادت خالصانه، رو به روی حرم ایستاد و

درددل کرد و از آن بزرگوار شفای فرزند بیمار وزیر سنی مذهب

عراق را مسئلت کرد.

ناگهان اهل منزل دیدند بیمار مُشرف به موت، از جا بلند شد و

با سلامت کامل روی پای خود ایستاد. در این جا بود که همه

پزشکان معالج، شگفت زده و متحیر ماندند.

درباره عظمت شخصیت علامه امینی به نقل جمله‌ای

از مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی، از شاگردان ممتاز آیت الله

بروجردی، بسنده می کنیم. ایشان می گوید:

روزی مرحوم امینی به من گفت: برای تألیف کتاب الغدیر ده

هزار جلد کتاب خواندم و او به درستی هر کتاب را می خواند.

مسائل فقهی و احکام زیارت معصومان

فقیهان و عالمان دینی اعم از شیعه و سنی به استناد روایات معتبر و

سیره و سنت حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه وآله - و فتوهای

راهبردی در باره عظمت زیارت و تکریم از حضرات معصومان در

طول تاریخ اسلام داشته و دارند.

به عنوان نمونه:

۱. برخی از فقهای بزرگ شیعه، همچون علامه حلی و شهید ثانی زیارت قبر پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - برای کسانی که حج می گذارند را در حدّ واجب، مورد تأکید قرار داده اند و مرحوم حلی فرمود:

حاکم اسلامی باید آن عده که زیارت حضرت رسول اکرم را ترک کرده اند، اجبار به زیارت کند؛ زیرا بزرگ ترین سنت الهی تحقیر و سست شده است.^۱

با توجه به این که همه معصومان نور واحدند:

«وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِبْتَكُمْ وَاحِدَةٌ»

از سویی، همه نزد خدای بزرگ دارای منزلت و مقام هستند و نیز بر اساس روایات معتبر و به همان دلایلی که فقهای و عالمان دینی نسبت به زیارت پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - ارج گذاری دارند، بدیهی است که در اثبات فضیلت زیارت امامان معصوم، تأکیدات فراوانی شده است.

ضمن این که عده ای از فقهای شیعه با دلایل چهارگانه «کتاب، سنت، اجماع و عقل» زیارت خوانی و زیارت رفتن برای

۱. ر. ک: شرایع الاسلام، ج ۱ و مفاتیح الجنان، در فضیلت زیارت حضرت رسول.

صالحان و نیکان را به اثبات رسانده‌اند که به طریق اولی، در مورد انبیا و اولیای دین نیز صدق می‌کند.

مرحوم علامه حلی، زیارت امامان معصوم را به عنوان عبادت فتوا داده‌اند و فرموده‌اند: در زیارت باید قصد قربت داشت.

۲. عالمان بزرگ اهل تسنن همچون ابن قدامه و فرقه‌های چهارگانه: مالکی، شافعی، حنفی و حنبلی، به استناد احادیث وارده از سوی پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - فتوهای معتبری نسبت به تکریم، تجلیل، زیارت رفتن، زیارت خوانی و سلام دادن به حضرت رسول خدا - صلی الله علیه وآله - دارند.^۱

با کمال تأسف، از زمانی که کشور انگلستان موفق شد حدود ۲۲۰ سال قبل، در عربستان فرقه ضاله و هابیت را به سرکردگی محمد بن عبدالوهاب ایجاد کند و او نیز با استناد به برخی روایات غیرمعتبر (اسرائیلیات) اصل توسل به معصومان را مورد خدشه قرار داد، در مقابل این تفکرات انحرافی، بسیاری از علمای اهل سنت - در طول دو قرن گذشته - کتاب‌هایی در رد این نظریات غیراسلامی نوشتند و حتی برخی در این راه به شهادت رسیدند.

متأسفانه، بن‌باز و امثال او به کمک امکانات و تقویت جو رعب و وحشت از سوی سعودیان، فتوهای مبنی بر حرمت زیارت

۱. ر.ک: المغنی والشرح الکبیر، ج ۳، از اهل سنت؛ الغدیر، ج ۵، ص ۱۱۰.

و سلام دادن به حضرت محمد مصطفی صادر کردند، که موجی از خوشحالی برای یهودیان - به ویژه صهیونیست‌ها - فراهم شد و پیامد همین تفکرات باطل بود که داعش و امثال آن پدید آمدند و به لطف خدا، در حال نابودی و هلاکت هستند.

جالب این‌که بن‌باز در برخی فتوهایش، انجام سفر برای زیارت قبر حضرت رسول خدا را حرام می‌داند. در توصیف امثال این کافران حقیقی باید گفت:

تا نگردي آشنا، زين پرده رمزي نشنوي

گوش نامحرم نباشد جای پیغام سُروش

برخی از احکام زیارت

اکنون به برخی احکام کلی مربوط به زیارت معصومان، بر اساس نظرات مراجع عظام تقلید اشاره می‌کنیم، امید است که در عمل به آن احکام توفیق یابیم.

۱. نماز خواندن در حرم ائمه اطهار، همانند نماز خواندن در

مساجد است؛

۲. توقف افراد ناپاک همانند افراد جُنُب و حائض، در حرم

ائمه اطهار جایز نیست؛ البته باید دقت کرد به چه مکان‌هایی حرم گفته می‌شود؛

۳. نجس کردن حرم ائمه اطهار، حرام و تطهیر محلی که از

حرم نجس شده، واجب است.

۴. بی احترامی به ائمه اطهار و آنچه به نام آنان ارتباط دارد، حرام است.

بر اساس مستندات تاریخی، فرقه ضالّه وهابیت تاکنون ده‌ها بار به حرم ائمه اطهار، بی‌احترامی‌های شرم‌آور و جنایت‌کارانه انجام داده‌اند.

نمونه دیگر اهانت این که هر شبانه روز قبور متبرکه چهار امام معصوم در قبرستان بقیع، مورد بی‌احترامی واقع می‌شود؛ این که در آن حرم مقدّس، با کفش و پوتین، قدم‌های نحس و ناپاکشان را بر زمین می‌زنند، بزرگ‌ترین اهانت به حساب می‌آید.

۵. برخی مراجع از جمله مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی، کف زدن در اماکن مقدّس که به نام و یاد امامان معصوم برگزار می‌شود را جایز نمی‌دانند.^۱

مشهور مراجع، گذاشتن آهنگ‌های مذهبی در اماکن مقدّسه برای تجلیل از ائمه اطهار را جایز نمی‌دانند.^۲

۱. جامع المسائل (فارسی)، ج ۱، ص ۹۴.

۲. سؤال: آیا پخش موسیقی شاد به مناسبت میلاد ائمه معصومان علیهم‌السلام در مسجد شرعا اشکال دارد؟

آیت الله خامنه‌ای: روشن است که برای مسجد جایگاه شرعی خاصی است و چنانچه پخش موسیقی در مسجد مناسب جایگاه و احترام مسجد نباشد،

۶. سجده کردن برای امامان معصوم حرام است؛ ولی اگر برای خدا سجده نماید، اشکال ندارد.^۱

گذری بر بوستان بابرکت زیارت جامعه کبیره

موسی بن عبدالله نَخَعی، از یاران امام هادی - علیه السلام - از محضر حجّت خدا پرسید:

ای فرزند رسول الله! آیا می شود به من گفتاری تعلیم دهید که با آن گفتارِ رسا و بلیغ، بتوانم شما را زیارت کنم؟
امام هادی - علیه السلام - فرمودند:

«هنگامی که به در حرم رسیدی، بایست و شهادتین بگو، در حالی که با غسل هستی. پس وقتی وارد شدی و قبر را دیدی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو، سپس اندکی با اطمینان و وقار و قدم های کوتاه راه برو و سپس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو، سپس به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه تکبیر بگو تا یکصد مرتبه تمام شود، سپس بگو: السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ ...»^۲

حرام است؛ حتی اگر موسیقی غیرمطرب باشد. اجوبة الاستفتائات، ج ۱، ص ۱۲۲، س ۴۱۰.

آیت الله مکارم شیرازی: گذاشتن آهنگ مذهبی در مساجد و حسینیه ها مناسب نیست. از آن اجتناب کنید. استفتائات جدید، ج ۲، س ۷۰۵.

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۶۱۳.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۰۵.

آن مترجمان وحی الهی، به حدی کریم و بزرگوارند که به یقین اگر ضعیف و کوچکی چون این ناچیز در بوستان فضائل، اوصاف و زیارت نامه آنان سری بزند و از گلستان آنان بویی استشمام کند و به رسم سوغات و هدیه، بر دوستداران و ارادتمندان معصومان عرضه کند، باید از عمق جان و صمیم قلب بگوید:

آرزویم آن است که به بزرگواری و کرامت شما اهل بیت، این برگ سبز ناچیز را پذیرفته و روی سیاهم را سفید گردانید.

به عاشقان نظری کن به شکر این نعمت

که من غلام مطیعم تو پادشاه مطاع

هنر نمی خرد ایام و بیش از اینم نیست

کجا روم به تجارت بدین کسا و متاع

کیمیای زیارت جامعه

فضایل و مناقب معصومان - علیهم السلام - به صورت زیارت نامه یا به صورت حدیث و روایت - آن هم با مجاهدت کم نظیر فقیهان، دانشمندان و اسلام شناسان - به صورت مدون به دست ما رسیده است؛ اما آنچه سبب حیرت هر انسان با معرفت می شود و هر عاقل زیرک را شیفته خود می کند، معارف بلندی است که در زیارت نامه ها به ویژه زیارت جامعه کبیره آمده است.

ضمن این که با توجه به الفاظ، کلمات و متفاوت بودن

مخاطبان، چه بسا برخی تحمل حقایق ملکوتی زیارت‌نامه امام هادی - علیه السلام - را نداشته باشند، ولی شیرینی و جذابیت قرائت این زیارت‌نامه، همچون سوختن پروانه در مقابل نورانیت شمع و صفای فضای حبیب در برابر محبوب شدن، گفتنی نیست و باید چشید.

آتش بگیر تا که بینی چه می‌کشم

احساس سوختن به تماشا نمی‌شود

در زیارت جامعه کبیره، انسان‌ها حائز رتبه و مقام شیعه شدن می‌شوند و کسی که به این مرحله دست یافت، در برابر آن مشعل داران راستین هدایت بشری، از خود بی‌خود شده، تسلیم آنان می‌شود و چه بسا بتواند مفتخر به مدال «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» شود.

در تفسیر البرهان ذیل این آیه شریفه:

﴿وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾^۱

«اگر [مردم] در راه درست پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی به

آنان می‌نشانیم»

وارد شده است که اگر در راه ولایت حضرت علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - و اولاد طاهرینش استواری و استقامت به خرج دهید، خداوند به این انسان‌های عاشق اهل‌بیت، آب گوارا و حقیقت

معرفت را می چشاند و مراد از «ماءٌ غَدَقا؛ ایمان است»؛ یعنی قلب‌های ارادتمندان به اهل بیت را از ایمان سیراب می‌کنیم.^۱

آری! امامان معصوم، سرچشمه‌های روشنایی و اکسیر اعظم هستند که هرکس مس و جوهر وجودی خود را در پیشگاه آنان قرار دهد، بدون شک کیمیا می‌شود و اگر کسی کیمیا شد، بر هر مسی برخورد کند، طلا می‌شود.

حافظ شیراز از زبان همه ارادتمندان به اهل بیت به ویژه کیمیایان زیارت جامعه کبیره می‌گوید:

ای خرم از فروغ رُخت لاله زار عمر

باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر

از دیده گر سرشک چو باران چکد، رواست

کاندر غَمَت چون برق بشُد روزگارِ عمر

این یک دو دم که مهلت دیدار ممکن است

دریاب کار ما، که نه پیداست کار عمر

داستان روایی

مرحوم علامه ملا محمد تقی مجلسی در عظمت این بوستان پر برکت (زیارت جامعه) می‌گوید:

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۷.

چون به نجف اشرف مُشرف شدم، برای این که لیاقت تشرّف به حرم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب - علیه السلام - پیدا کنم، چند شبانه روز عبادت و راز و نیاز کردم.

شبّی در عالم مکاشفه، حضرت امام زمان - علیه السلام - را در حرم جد بزرگوارش دیدم. روز بعد وقتی جهت زیارت عسکریین به سامرا مشرف شدم، باز آن بزرگوار را همانند ماه پاره دیدم که در حرم ایستاده بودند. من قبل از حرم، در حالی که بر زبانم ذکر و ثنای اهل بیت و زیارت جامعه بود، وارد حرم شده و با انگشتم به حضرت مهدی - علیه السلام - اشاره می کردم.

حضرت فرمودند: «بیا جلو!»

اما عظمت آن بزرگوار مانع می شد. با هر تلاشی بود خودم را نزدیک ایشان رساندم. به من لطف و مهربانی کرد و فرمود:

«این زیارت جامعه که بر زبان جاری ساخته‌ای، خوب زیارتی است

این زیارت!»

گفتم این زیارت نامه از جدّتان است، در حالی که به قبر امام هادی - علیه السلام - اشاره کردم.

حضرت باز فرمودند:

«بلی! از جدّم صادر شده است.»^۱

بر این باور، زیارت جامعه کبیره از کامل ترین و معتبرترین زیارت ها و ادعیه ای است که به جهت متن، از فصاحت و بلاغت ویژه برخوردار است و حاوی بلندترین تعابیر عرفانی، عقیدتی و عرشی بوده و شایسته ترین سند از جهت معرفی مقام شامخ اهل بیت عصمت و طهارت به شمار می رود.

زیارت جامعه کبیره را جامعه نامیده اند، چون جامع سلسله کلمات فصیح و بلیغ در کمالات ائمه اطهار است و با این زیارت می توان ائمه را چه به صورت فردی و چه جمعی زیارت کرد. در اهمیت این زیارت نقل شده است:

یکی از شیعیان دل سوخته که از شمال ایران عازم کربلای معلی بود، در مسیر عتبات عالیات، دچار عُسر و حَرَج و سختی در راه می شود، در آن شرایط ویژه و برف و کولاک سخت، امام زمان - علیه السلام - به فریادرسی زائر جدش می رسد و زمانی که مرحوم رشتی خدمت آن امام همام مشرف می شود، حضرت به او فرمودند: «شما چرا نافلة نمی خوانید؛ نافلة نافلة و باز فرمود: شما چرا عاشورا نمی خوانید؛ عاشورا عاشورا و بعد فرمودند: شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه! جامعه! جامعه!»^۱

بایسته‌های زیارت جامعه (مراقبت‌های معرفتی)

زیارت، یکی از برنامه‌های مهم مکتب قرآن است که در باور تشیع، از جلوه و جایگاه زیباتر و باشکوه‌تری برخوردار است، به ویژه این‌که آن زیارت‌نامه از ناحیه امام معصوم - علیه السلام - باشد.

از آنجا که همه برنامه‌های اسلامی در عین این‌که صددرصد آخرتی است، زندگی دنیایی انسان را نیز تحت الشعاع خود می‌گیرد و او را به سامان دنیایی و سعادت آخرتی می‌رساند.

در برنامه زیارت جامعه کبیره که معیار عمل، قصد و آهنگ حضرات ائمه معصومان - علیهم السلام - است، از یک‌سو زائر و قرائت‌کننده آن زیارت را برای سفر آخرت آماده و مهیا کرده و از سوی دیگر، او را به مقام امامت و پیشوایی پیشوایان آشناتر کرده، برای ساماندهی امور دنیایی، روحیه اطاعت‌پذیری از آن منادیان اسلام را در همه ابعاد زندگی به او می‌آموزد.

نظر به این‌که زیارت‌نامه، یک برنامه جامع، راهبردی و جاودانه زندگی محسوب می‌شود و امامان معصوم در هر عصر و زمان - به ویژه درباره امام زمان و در عصر غیبت کبری - شیعیان را به قرائت و مأنوس شدن با آن منشور هدایت، تأکید و توصیه داشته‌اند، به منظور بهره‌مندی وافرتر از این منظومه تفکر شیعی و اسلامی، هر فرد باید به دنبال بایسته‌هایی باشد تا به شایستگی و لیاقت حضور، ارتباط و انس با آن امامان معصوم نائل شود.

به دلیل رعایت اختصار، به هفت بایسته - با لحاظ عظمت عدد هفت - اشاره خواهیم کرد:

۱. ادب و آداب زائر؛ ۲. اخلاص؛ ۳. امید؛ ۴. استغفار؛ ۵. اراده؛ ۶. استعاذه؛ ۷. اُنس.

یک: ادب و آداب زائر

دانشمندان مسلمان، ادب را ظرافت و زیبایی رفتار معنا کرده‌اند؛ مثل ادب در غذا خوردن، خوابیدن، استراحت کردن، اقامه نماز، ازدواج، معاشرت، ادب در زیارت و ادب در مناسک حج.^۱

فرق اساسی ادب و اخلاق در این است که اخلاق، جان و دل و روح را زیبا می‌کند، ولی ادب، رفتارهای ظاهری را ارزشمند و زیبا می‌کند و سبک زندگی را تنظیم می‌کند.

آداب، ظرف ظهور اخلاق محسوب می‌شوند. ادب، امری اکتسابی و دست‌آوردنی است که می‌توان نام آن را فن و مهارت گذاشت.

اقتضای ادب هر فرد مسلمان به این است که اعتقاداتش نسبت به توحید را در جلوه زیبای نماز و سایر امور عبادی، به صورت رفتار عبادی نشان دهد و عقیده اش نسبت به نبوت و امامت را در جلوه‌های زیبای رفتاری از قبیل: اطاعت و پیروی،

۱. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۶، ص ۲۵۶.

درود و سلام و صلوات، ارادت و اخلاص، عشق، فداکاری، وفاداری، محبت‌ورزی و پناه‌جویی نشان دهد.

چگونگی رفتار ظاهری و کالبدی انسان، نماد، پرچم و نشانه‌ای از نوع تفکر و علاقه او است که به دیگران دارد که به این جلوه رفتاری، ادب گفته می‌شود.

خاستگاه آداب، همان باورها، اعتقادات، فرهنگ و هویت وجودی او است که در رفتارش تجلی می‌یابد؛ مثل پوشیدن پیراهن مشکی شیعیان در ایام عزای «آل الله» که بیانگر عشق و علاقه آنان به خاندان پیامبر و اعتقادشان به این فرهنگ است.

هر مسلمان وظیفه دارد به حکم فطرت پاک خود و به حکم عقل و اندیشه، مؤدب به آداب اسلامی باشد که همان نماد ظاهری اسلام است و هر نمادی، علاوه بر آن که معنا و مفهوم خود را نشان می‌دهد، نمایانگر درجه حضور و حیات آن معانی و فرهنگ در جامعه است.

نماز مسلمان، پاسداشت ماه مبارک رمضان به وسیله روزه، حج و عمره او، پرداخت زکات و خمس، درود و صلوات مستمر بر پیامبر و اهل بیت، تشکیل جشن و سرور در موالید معصومان و برپایی مجالس عزاداری در شهادت و رحلت آن بزرگان، راه‌اندازی هیئت‌های منظم و سنگین عزاداری در ایام محرم و صفر، رفتن به زیارت اماکن متبرکه و التجاجویی و توسل جستن به مقامات انبیا و

اولیای دین، قرائت زیارت و سلام دادن به اهل قبور - به ویژه زیارت و اظهار و اعلان سلام و تحیات و درود به ائمه معصومان - را در جلوه زیبای رفتاری هر شیعه دلداده، عاشق، تحت عنوان **زیارت جامعه کبیره** می توان دید.

این موارد، از مصادیق روشن آداب و جلوه های رفتاری و نماد ظاهری اسلام و یادآور فرهنگ عمیق دینی، تبلیغ اندیشه توحیدی و توسعه دهنده ایده و آرمان مسلمان است. البته نباید التزام و پایبندی به این آداب اسلامی را به ظاهرگرایی یا جزئی گرایسی و خدای ناکرده، ظاهرسازی، افراد متهم ساخت.

دشمنان اسلام به ویژه معاندان اهل بیت عصمت و طهارت و برخی نادانان متعصب، پایبندی مسلمانان به این آداب و جلوه های رفتاری اعتقاد به انبیا و اولیا را مورد هجوم قرار داده، شیعیان را به زندگی سنتی، مُرده پرستی و اسطوره گرایی متهم می کنند.

به لطف الهی و بیداری مسلمانان عاشق اهل بیت و عنایات خاصه امام عصر و خیزش نهضت اسلامی در جغرافیای جهان اسلام، تفکر وهابیت، به ویژه در این دهه اخیر، به چالش کشیده شده و جریان مذهب علیه مذهب که به سرکردگی یهود عُنُود، نسبت به تشیع و فرهنگ حسینی و مهدوی، برای به بن بست رساندن همین آداب اسلامی و جلوه های رفتاری، از هر وسیله و امکان و قدرتی استفاده کردند، نه تنها صهیونیست ها به نتیجه

نرسیدند، بلکه هرساله شاهد رونق بی نظیر رفتارهای مذهبی شیعیان از جمله در اربعین سالار شهیدان و صدها نماد زیبای ولایتی است. به تعبیر بزرگان و متفکران دینی، همین جلوه‌های رفتاری و آداب اسلامی شیعیان در محرم و صفر بوده که سبب زنده نگه داشتن عاشورا و فرهنگ غدیر شده است و ای کاش بعد از مراسم بی نظیر و تاریخی غدیرخُم و تعیین جانشینی بر حق رسول‌الله، یعنی حضرت مولی‌الموحدین علی‌بن‌ابی‌طالب - علیه السلام - مسلمانان مؤدب به این آداب اسلامی می‌شدند و هرساله در بزرگداشت این روز عظیم و «عیدالله‌الاکبر»، به عنوان نماد و پرچم اسلام می‌کوشیدند.

زیارت جامعه کبیره، مثنوی عشق

در اهمیت آداب و زیبایی‌های رفتاری یک مسلمان مباحث ارزنده‌ای وجود دارد؛ اما به صورت خلاصه می‌توان گفت که زائر ائمه معصومان و قرائت‌کننده زیارت جامعه کبیره، با علم به آثار ارزنده تربیتی، فرهنگی، معنوی و عرفانی این مثنوی عشق و منظومه بی‌بدیل عقیدتی، یعنی زیارت‌نامه جامعه و با علم به نقش آشکار هدایت‌های آن استوانه‌های هدایت در سبک زندگی، برای ورود به حریم نورانی آن انوار پاک الهی، خود را مؤدب به آداب می‌داند و تلاش می‌کند:

الف. آداب معنوی را به شکل وضو، انجام غسل مستحبی، بسیار صلوات فرستادن، ذکر استغفار، درخواست اذن ورود و آداب ظاهری را با آراستگی و پوشیدن لباس مناسب، عطرآگین کردن خود و... رفتارش را زیبا جلوه دهد و از حرکات سبک، پرهیز کند.

ب. زائر در ابراز شعائر و بزرگداشت آن مشعل داران هدایت و مقربان ربوبی می‌کوشد و آن را نشانه تقوا و پرهیزکاری می‌داند.

قرائت کننده زیارت جامعه کبیره، آغاز ابراز محبت را به عنوان ادب دینی در جلوه زیبای «سلام» می‌داند و در طول زیارت، از این واژه زیبای الهی و ادبی برای رواجِ اُلفت و تقویت پیوند دوستی، ایجاد رابطه پایدار، عمیق، صمیمی تر و شیرین تر با امامان معصوم، بهره می‌برد.

همین زائر زمانی که به ذکر اوصاف و بیان فضایل بی نظیر آن جانشینان برحق رسول‌الله در بخش‌های بعدی آن منشور منور می‌رسد، باز در ابراز آن شعائر و بزرگداشت حریم قدسی و عرشی آن ذوات پاک، خود را مؤدب به آداب اسلامی می‌کند و بخش‌های زیارت را با حالت خشوع و تضرع و نوای دل‌نشین و موسیقی موزون بیان می‌کند.

ج. نکته پایانی در رعایت ادب دینی زائر این که او در حفظ و صیانت از واژه و واژه‌های این منشور امامت، زیارت جامعه می‌کوشد و از سویی می‌آموزد که اگر روزی قرار شد از نمادهای زیبا و حرم‌های امامان، گنبدها و گلدسته‌های نورانی و بُقاع متبرک دست

و سر و جان بدهد، با تمام وجود اعلام و اظهار می‌دارد و خود را جزو لشکریان مدافع امامان معصوم می‌داند و حاضر است هزاران کیلومتر راه طی کند و همه آن آموزه‌های ادبی را، در رفتارش نمایان سازد.

جابر بن عبدالله انصاری شخصیت ارزنده و فقیه گران‌مایه‌ای است که در ولایت پذیری، صحابی با وفای پیامبر بودن و درک حیات چهار تن از امامان شیعه، تردیدی وجود ندارد.

این بزرگوار زمانی که رنج سفر را به همراه «عَطِيَّة» هم سفر جوان، خالص و مفسر قرآن می‌پذیرد، اولین حرکت او، بر مبنای آداب اسلامی و انجام حرکات نمادین و سمبلیک رفتارهای زیبایی مذهبی بود.

آن دلداده کوی دوست، برای دستیابی به تربت پاک حسینی، همه نظام نامه ادبی زیارت سرور جوانان اهل بهشت را مراعات کرد و صدها خطر در طول سفر را بر خود هموار کرد، تا هم به فیض عظمای زیارت برسد و هم راه و رسم دین داری و وفای به عهد را که در مکتب موالیانش آموخته بود، به همه زائران در طول تاریخ بیاموزد؛ از این رو تا نام امام حسین - علیه السلام - بر سر زبان‌ها است و تا اربعین حسینی و عاشورای عرشی میان مسلمانان به عنوان زیباترین رفتار علوی هست، یاد و نام او و دوست جوانش نیز زنده است.

رمز و راز اصلی رسیدن به این مقام شامخ، یعنی زائر کوی دوست شدن، همانا رعایت ادب و آداب زیارت بود که با کلیدواژه اصلی: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» شروع شد و زمانی توانست به مقام سلام دادن نائل گردد که خویشتن را به تمام آداب ظاهری و طهارت جسمی و روحی زینت داده بود؛ در شطّ فرات وضو ساخت، غسل نمود و به دیدار حبیبش نائل شد.

گر هزاران دام باشد هر قدم

چون تو با مایی نباشد هیچ غم

دو: اخلاص زائر

دومین بایسته زائر اهل بیت عصمت و طهارت و قرائت کننده زیارت جامعه کبیره، خالی کردن قصد و نیت خویشتن از هر نیت، فکر و عمل غیرخدایی است.

بایسته است که زائر، تنها خداوند را برای عمل ارزشمندی که درصدد انجام آن است، شاهد و گواه بگیرد.

به تعبیر دیگر، دوست نداشته باشد در کار و عمل، دیگران از او تعریف و تمجید کنند، به ویژه این که شأن و جایگاه زائر، چنان ویژه و استثنایی است که در مقابل او معصومان قرار دارند و او تصمیم دارد از برکات و فیوضات آنان بهره بگیرد، در حالی که آن انوار الهی در کمال اخلاص هستند.

قرآن کریم ویژگی برجسته انسان‌های مؤمن و بنده خدا را اخلاص می‌داند:

﴿وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾^۱

«دستور داده نشدند مگر به عبادت و پیروی خالصانه از دین خدا.»

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ

أَحَدًا﴾^۲

«هرکس امید دیدار و ملاقات خدای خود را دارد، باید عمل شایسته انجام دهد و شریکی برای خدا نیاورد.»

اخلاص در عمل یا کارکردن برای خداوند متعال، از اصولی است که اسلام و فطرت انسانی به آن دعوت کرده و باعث پایداری و حفظ ارزش‌ها در فرد و جامعه می‌شود.

با اخلاص و کار برای خدا و در راستای کسب رضایت او گام برداشتن، می‌توان فضای فکری و فردی و فضای زندگی جامعه را شفاف و شادمان کرد و بسیاری از اختلافات و خودخواهی‌ها را پایان بخشید.

اگر انگیزه اصلی کارها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان، الهی باشد نه برای کسب منافع شخصی و موقعیت اجتماعی، بدون تردید این انگیزه مقدس، همواره زندگی را از تابش آفتاب هدایت

۱. سوره بینه، آیه ۵.

۲. سوره کهف، آیه ۱۱۰.

بهره‌مند خواهد نمود.

از علی آموز اخلاص عمل

شیر حق را دان منزه از دغَل

در غزا بر پهلوانی دست یافت

زود شمشیری برآورد و شتافت

او خدو انداخت بر روی علی

افتخار هر نبی و هر ولی

او خدو انداخت بر رویی که ماه

سجده آرد پیش او در سجده‌گاه

در زمان انداخت شمشیر آن علی

کرد او اندر غزایش کاهلی

گشت حیران آن مبارز زین عمل

و از نمودن عفو رحم بی‌محل

آری! نهایت آرزوی انسان عارف به اهل بیت عصمت و طهارت و کمال لذت معنوی او به این است که رفتار و عملش در مقابل اقیانوس بیکران معنویت و عرفان امامان معصوم، در کمال اخلاص و دلدادگی و برای کسب خشنودی و رضایت خداوند باشد؛ از این رو می‌کوشد انگیزه اصلی عملش در قرائت زیارت

جامعه کبیره و در اتصالش به آن منادیان توحید، همانا «وَجْهَ اللَّهِ» و تحصیل رضای خدا باشد.

سالکان کوی دوست و زائران ائمه هدی برای رسیدن و رساندن دیگران به مقام قرب الهی و برخوردار شدن از الطاف و عنایات آن پرهیزکاران عالم و آن اُسوه‌های اخلاص و ایمان، تلاش می‌کنند دل و جان خویش را از انگیزه و گرایش‌های غیرخدایی پاک کرده، با خلوص نیت، به صفای باطن بیندیشند.

متوسلان به مقامات امامان معصوم، در عزم جدی و با توکل به قدرت لایزال الهی می‌کوشند تلاششان پرحاصل و کِشت و کارشان در توسل و التجاجویی، پرثمر باشد.

توسل جویندگان معتقدند با دل صاف و نیت پاک می‌توان از طریق زیارت جامعه کبیره، به بزرگ‌ترین و ماندنی‌ترین سرمایه معنوی و گران‌سنگ دست یافت، تا در ادامه حیات و زندگی دنیا و به ویژه زمان مرگ و عالم قبر و قیامت، از آن سرمایه ارزشمند بهره بُرد و از هول و هراس‌های منازل آخرت، ایمن عبور کرد.

یارب از دل‌های ما نور محبت را مگیر

این تجمّع این توسل این ارادت را مگیر

هستی ما بستگی دارد به عشق اهل بیت

هرچه می‌خواهی بگیر، اما ولایت را مگیر

حضرت علی - علیه السلام - فرمودند:

«مَعَ الْإِخْلَاصِ تَرْفَعُ الْأَعْمَالُ؛

تنها با اخلاص، اعمال بالا می‌رود و مورد پذیرش قرار می‌گیرد.»^۱
روزی جمعی از شاگردان آیت الله العظمی بروجردی در محضر ایشان، سخن از بعضی از خدمات آن مرجع بزرگوار به میان آوردند و در این باره گفت‌وگو می‌کردند.
آیت الله سید مصطفی خوانساری می‌گوید: من نیز در آن جمع، حاضر بودم، ولی چیزی نمی‌گفتم. آیت الله بروجردی رو به من کرد و فرمود: تو هم سخنی بگو.
عرض کردم: مطلبی ندارم، جز حدیثی که از اجدادم به خاطر دارم، اگر اجازه بفرمایید آن حدیث را عرض کنم. فرمود: بگو.
عرض کردم:

جدم رسول خدا - صلی الله علیه وآله - فرمود:

«أَخْلِصِ الْعَمَلَ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ؛

عمل خود را خالص کن؛ زیرا بازرس عمل، بسیار بینا و دقیق‌سنج

است.»

همین که این حدیث را خواندم، اشک از چشمانش سرازیر شد و فرمود: راستی اگر اعمال ما خالص و برای خدا نباشد، چه خواهد شد؟ آری! ناقد، تیزبین و بینا است.
فراموش نمی‌کنم، پس از این ماجرا، هر وقت آن مرد بزرگ

به من برخورد می کردند، می فرمودند: «أَخْلِصِ الْعَمَلَ فَإِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ
بَصِيرٌ» و حالشان منقلب می شد.^۱

سه: امید زائر

امید، از سرمایه های وجودی هر انسان است که از نعمت و رحمت الهی حکایت دارد. انسان با امید زندگی می کند و حیات خویش را در پرتو تابش نور امید سامان می دهد و رایحه و عطر دل انگیز و روح فزای امید است که فضای زندگی را سراسر نشاط، شادابی و روشنی می بخشد.

پدر و مادری که مشکلات سهمگین زندگی را متحمل می شوند، دانش پژوهان، استادان و مربیانی که با کاوش، تحقیق، تدریس و تحصیل، صبورانه مرارت های علمی، اخلاقی و معنوی را تحمل می کنند، کارگران، کشاورزان، صنعتگران، صاحبان حرفه و کسب و کار که با تخصص و سخت کوشی و تحمل رنج کار و تلاش و تولید و سازندگی، همواره با طبیعت و عرصه های زندگی در تعامل و تکاپو هستند، مجاهدان، مزداران، نظامیان و امنیت آفرینان که همیشه و همگام با مردم در آرامش زندگی و تأمین امنیت کشور جهاد و مجاهدت طاقت فرسا می کنند، هر یک از اقشار مختلف چون به مقصد خویش امید دارند، از جان و دل

۱. داستان دوستان، ص ۵۷۴.

می‌کوشند؛ به‌ویژه در ذره‌ذره وجودی انسان است که همواره نور و فروغ امید برای دستیابی به آن رحمت‌ها و سرشارشدن از فیض لطف پروردگار در انسان و عالم وجود تابناک است، از این رو از عمق جان، به آن نور امید تکیه کرده، در فرازها و فرودها و سختی‌ها و راحتی‌ها از آن امید بهره می‌گیرند.

انسان مؤمن امیدوار، در هر راز و نیاز و هر توسل و تقرّب،

همواره می‌گوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ.»

امید داشتن به خدا، یعنی در انتظار رحمت الهی بودن و اعتماد و اعتقاد راسخ به رحمت‌های واسعه پروردگار داشتن و درخواست لطف از خداوند که از نشانه‌های انسان امیدوار است.

رهبران و پیشوایان دینی و امامان معصوم به‌عنوان استوانه و أسوه‌های امید در طول تاریخ، در هدایت پیروان خود و نجات مردم از تاریکی‌ها و جهالت‌ها، گام‌های بسیار بزرگی برداشته و به سبب نور امید بوده که پیروان و شیعیان ایشان، همواره انسان‌های شجاع، بانشاط، پرتحرک و باشهامت بودند.

بر این باور، زائران، شفاعت‌جویان و متوسلان به آن انوار

پاک الهی در هنگامه پرشور زیارت جامعه کبیره، باید با تمام وجود به لطف الهی و عنایت آن مشعل‌داران توحید امیدوار باشند.

قرآن کریم فرمود:

﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾^۱

«هیچ‌گاه از رحمت و عنایات خداوندی ناامید نشوید.»

بایسته مهم و محوری بنده مؤمن هنگام شروع این منشور دینی و عرفانی یعنی زیارت جامعه، همانا امیدداشتن به الطاف خدا است که این امید، شوق آفرین و اشتیاق او را به پروردگارش افزون می‌کند.

بنده مؤمن و ثناگوی حضرات معصومان، با تکیه بر لطف بی‌دریغ و بی‌شمار خداوند زندگی می‌کند و در این رازنامه عرفانی‌اش، به آن اعتقاد دارد.

حضرت علی - علیه السلام - فرمود:

«همانا شما اگر به خدا امیدوار باشید، به آرزوهایتان خواهید

رسید.»^۲

یأس و ناامیدی به خدا، یعنی کوچک پنداشتن رحمت و اسعه الهی و مغفرت و لطف او؛

یأس و ناامیدی، یعنی بهره نبردن از مغفرت الهی و به بلاهای گوناگون گرفتار شدن؛

یأس از خدا، یعنی قدم برداشتن در جاده گمراهان.
خداوند متعال فرمود:

۱. سوره زمر، آیه ۵۳.

۲. غررالحکم، ج ۸۳۷.

﴿وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾^۱

«چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود به‌جز گمراهان؟»

خداوند متعال در ۳۴ آیه قرآن مجید، واژه «عسی» و «رجاء» را که هر دو به معنای امیدواری و امید است، به‌کار برده است و کلمه «لَعَلَّ» را که از اُدات امید و رجا است، ۱۱۳ بار در قرآن تکرار کرده است.

روایات زیادی نیز دربارهٔ امید و رجا از قول معصومان وارد شده که بر عظمت و نقش امید در زندگی دلالت دارد.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - فرمودند:

«شخصی را روز قیامت داخل آتشی از عذاب می‌اندازند، او پیوسته صدا می‌زند یا حَتَّان و یا مَنان.

خداوند به جبرئیل می‌گوید: آن بنده عاصی‌ام را بیاور. جبرئیل او را می‌آورد. خداوند فرمود: «جایگاهت را چگونه یافتی؟»

می‌گوید: بدترین مکان‌ها بود.

خداوند دستور می‌دهد او را به همان‌جا برگردانید. چند قدمی که آن گنهکار می‌رود، ناگهان نگاه امیدوارانه به پشت سرش می‌اندازد.

خداوند خطاب به آن بنده می‌گوید: به چه چیز می‌نگری؟ آن

بنده می‌گوید: من امیدوار بودم که دیگر مرا به آن جایگاه بازنگردانی.

خداوند خطاب می‌کند: او را به سوی بهشت بپرید.^۱

شهید والامقام، مرحوم آیت‌الله دستغیب در کتاب «گناهان کبیره» می‌گوید:

پس از شُرک به خدا، هیچ گناهی بزرگ تر از ناامیدی و یأس نیست؛ زیرا هر گناه که از شخص سر می‌زند، تا وقتی مأیوس نباشد، ممکن است درصدد توبه برآمده، با استغفار آمرزیده شود؛ ولی شخص مأیوس آمرزیده‌شدنی نیست؛ زیرا امیدوی به آمرزش و مغفرت خدا ندارد تا توبه کند. از این گذشته، یأس سبب جرئت بر جمیع گناهان می‌شود؛ چون همچون فردی می‌گوید: من که معذب خواهم بود؛ چرا خودم را از شهوت دنیا محروم کنم؟

چهار: استغفار

از مهم‌ترین بایسته‌های زائران و قرائت‌کننده‌های زیارت جامعه کبیره که در جلب شایستگی و توفیق و قابلیت نقش مهمی دارد، مسئله استغفار است.

استغفار یعنی درخواست پوشاندن و بخشش گناهان از

۱. محجة البیضاء، ج ۷، ص ۲۵۴.

خداوند، چه به وسیله گفتار صادقانه و چه با رفتار صحیح که باید داشته باشد.

چرا تو ای شکسته دل خدا خدا نمی کنی

خدای چاره ساز را چرا صدا نمی کنی

سَحَر ز آه لاله ها گُل مراد می دهد

به نیمه شب چرا لبی به ناله وا نمی کنی

به قطره قطره اشک تو خدا نظاره می کند

چرا میان گریه ها خدا خدا نمی کنی

کجا روم کجا روم اگر مرا رها کنی

نه لایقم نه قابلم که تو مرا صدا کنی

همیشه من خطا کنم همواره تو عطا کنی

هرآنچه می کنی مکن، مرا ز درگهت جدا

قرآن کریم فرمود:

﴿وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ﴾

«از پروردگارتان طلب آمرزش کنید و توبه کنید.»^۱

خداوند غَفَّار و غفور بندگانش را در قرآن کریم ۱۵۵ بار

متذکر امر اساسی استغفار کرده است.

ناگفته نماند که إنابه، توبه، دعا، ذکر و تضرع، همه از کلمات نزدیک به استغفار است که مؤمنان با ترنم آن بر دل و زبان، آن را ارزشمندترین عمل نزد خداوند می‌دانند. حتی رسول خدا - صلی الله علیه وآله - با آن مقام عصمت و پاکی تضمین شده از سوی خداوند، روزی چند بار استغفار می‌کرد و می‌فرمودند:

«إِنَّهُ لِيَعَانُ عَلَيَّ قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً^۱»

همانا که قلبم را غباری می‌پوشاند و من روزی هفتاد مرتبه از درگاه خدا آمرزش می‌طلبم.»

آری، هر فرد عازم و جازم برای زیارت خوانی و توسل به ائمه هدی و برای بهره مند شدن از برکات و فیوضات عالیه زیارت جامعه کبیره و رسیدن به اهداف توسل، باید از خود آن ترجمان وحی الهی و آن «مستغفرین بالأسحار» بخواهد و آنان را واسطه قرار دهد تا خداوند با نگاه ستار العیوبی و غفار الذنوبی خود، اجازه قرائت زیارت جامعه و اظهار ارادت به ساحت مقدس ائمه هدی را عنایت کند.

حضرت علی بن ابی طالب - علیه السلام - فرمود:

«أَفْضَلُ التَّوَسُّلِ الْإِسْتِغْفَارُ^۲؛»

استغفار، بهترین توسل است.»

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۴۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۲۰.

۲. غرر الحکم، ص ۱۹۵، ح ۲۸۸۷.

ضمن این که داشتن قصد زیارت آن بزرگواران و سلام و درود فرستادن بر آنان و نیز پناه‌جویی از آن پاکان عالم در محضر پروردگار، خود سبب آمرزش گناهان و قبولی استغفار است.

خاتم پیامبران - صلی الله علیه وآله - چنین فرمودند:

«یا فاطمه! هر کس سلام و درود بر تو بفرستد، خداوند متعال تمام گناهان او را می‌بخشد و او را در بهشت برین به ما ملحق می‌کند»^۱

حال که مقام و شأن استغفار برای دلداده و شیدای اهل بیت به اختصار روشن تر شد، باید بکوشد که خانه‌تکانی دل را در شروع زیارت و حفظ حالت‌انابه و استغفار در تمام مراحل زیارت‌خوانی، به عنوان یک اصل مهم و محوری به آن نگاه ویژه داشته باشد.

آدمی گنجینه سرِّ حق است

گرچه در بحر هوس مستغرق است

گنج کونین است ذات آدمی

حرف بی‌پایان صفات آدمی

آری! بی‌پایان و بی‌بدیل‌ترین صفت وجودی هر انسان، که در ذات و عمق جان او نهفته است، بازگشت به خویشتن و انابه و توبه است که بارقه‌های امید به بخشش و عفو الهی، در جلوه زیبای

استغفار تجلی خواهد یافت.

قدم و پلهٔ اول سیر و سلوک عرفانی در منشور ولایت و امامت و غواصی در اقیانوس کبیر و مواج محبت اهل بیت عصمت و طهارت، آن هم در قاموس زیبای زیارت جامعهٔ کبیره، بدون تردید طلب مغفرت برای خود و ملتسمان دعا و کسب شایستگی و لیاقت است و این مهم ممکن نمی شود، مگر به این که استغفار را به عنوان صفت ثانویه «ملکه» وجودی خود کنیم.

حالات فوق العاده زیبای حضرت حرّ بن یزید بن ریاحی (اعلی الله مقامه) در توسل جستن و رسیدن به اقیانوس محبت و معرفت حسینی و کسب شایستگی و لیاقت عبد صالح شدن، همه در گرو استغفاری بود که با تمام وجود به خویشتن بازگشت و با فتح قلّه‌های رفیع انسانیت در کوتاه‌ترین زمان، رضایت ولیّ زمان حضرت حسین بن علی - علیه السلام - را با زیرکی مؤمنانه و مستغفرانه خود، جلب کرد.

قرآن کریم فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾^۱

«ای اهل ایمان! بازگشت به سوی خداوند داشته باشید (توبه کنید)،

توبهٔ نصح.»

﴿وَيَهْدِي إِلَيْهِ مِنْ أَنْبَاءٍ﴾^۱

«هر کس در زندگی اش توبه و بازگشت باشد، هدایت می شود.»

حضرت علی بن ابی طالب - علیه السلام - فرمود:

«تعجب می کنم از کسی که با وجود استغفار، از بخشش و رحمت

خداوند ناامید است.»^۲

در احوالات حضرت آدم - علیه السلام - نقل شده که وقتی به دلیل ترک اولی از بهشت بیرون شد، دوستان سال حالت خجالت زده و شرمندگی داشت، در حالی که گناه و حتی کار مکروه نکرده بود. مستحب بود که گندم مورد نظر را نخورد که خود آن بزرگوار قبل از توسل به پنج تن آل عبا [حضرت محمد، علی و حسنین و زهرا] و نجات از دنیا، به ایشان استغفار جست. حالت انابه و بازگشت را از سؤیدای دل زمزمه می کرد، تا این که جبرئیل نازل شد و فرمود:

«ای آدم! خداوند فرمود چون این حالت انابه و بازگشت را پیدا کنی، در آن حال، توسل به اهل بیت عصمت و طهارت پیدا کن و توبه ات را قبول کردم.»^۳

قرآن کریم فرمود:

۱. سوره رعد، آیه ۲۷.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۸۴.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۸۰.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾^۱

«به درستی که خداوند انسان مستغفر و توبه کننده را دوست می دارد.»
در روایات وارد شده: همچنان که انسان وقتی کالایش را گم کند و آن را در دل شب پیدا کند، چقدر خوشحال می شود، خداوند نیز از استغفار بنده اش خوشحال می شود.^۲

پنج: اراده زائر

اراده در لغت به معنای خواستن، طلب کردن و آهنگ نمودن است و در اصطلاح، به معنای قوه و نیروی اجرایی در هر انسان است. اراده، همان نیرو و قوه و وابسته به عقل است که هر آنچه عقل و شرع مقلدس دستور می دهند، او نقش اجراکننده را دارد.
اراده، همان تصمیم جدی و قطعی برای انجام کار و عمل است که خداوند به عنوان عزم و همت، در وجود هر انسانی قرار داده که وقتی فعلیت یافت، اراده نام می گیرد.

اراده، همانند شمشیری است که همواره باید از غلاف بیرون آید تا زندگی انسان معنا یابد و اگر در غلاف بماند، رفته رفته کارایی شمشیر از دست می رود. البته پشت این شمشیر زندگی «اراده»، باید تفکر، تأمل و مهارت باشد. انسان ها با مهارت آموزی و

۱. سوره بقره، آیه ۲۲۲.

۲. فضایل و رذایل اخلاقی، ص ۱۹۹.

تجربه‌نگری، از اراده و عزم برای رسیدن به موفقیت‌های زندگی بهره می‌برند.

حضرت علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - فرمود:
«عزم و اراده [برای رسیدن به مقامات و کمالات] با سورچرانی و راحت‌طلبی سازگار نیست.»^۱

آری! انسان مؤمن به خدا، پیامبران و اهل بیت عصمت و طهارت در راه رسیدن به کمالات و سعادت دنیوی و آخروی خود و برای پیمودن سیر و سُلُوکِ الی الله، همواره امامان معصوم را منادیان توحید و صراط مستقیم الهی و ابواب رحمت و اسعۀ او می‌داند؛ از این رو در زندگی روزمره و آرمانی خود باید به دریای معرفت و محبت آنان متصل باشد و از واسطه‌های فیض ربوبی بهره‌مند شود.

با این عقیده عرشی و عرفانی، آهنگ زیارت جامعه کبیره کرده، با نوای دل‌نشین و ملکوتی امام هادی - علیه السلام - خود را هماهنگ می‌کند و آن نیروی عظیم را که در تمام سلول‌های وجودی‌اش ذخیره شده و وابسته به عقل و شریعت است، به فعلیت می‌رساند که همان اراده و عزم زائر و متوسل به معصومان است.
آن اراده قوی زائر و قاری زیارت جامعه کبیره است که به

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱.

دنبال نقش آفرینی و اجرای مصوّبات عقل خویشتن است؛ زیرا عقل می گوید: شکرگزاری و ثناگویی از بزرگان دین - که تمام هستی خویش را به پای دین فدا کردند- واجب و لازم است!

عقل می گوید: برای بهتر بندگی کردن و مطیع محض پروردگار شدن و نیز رسیدن به درجات و کمالات و زیبایی های زندگی، باید به الگوها و تابلوهای زیبای بندگی و معرفت و محبّت الهی تمسّک پیدا کند که آنان اولاد طاهر و ذریه های رسول خدایند. این جا است که ارادهٔ مُحبّ اهل بیت بازوی اجرایی و عملیاتی عقل و شرع می شود و به سراغ جامع ترین، کامل ترین و زیباترین واژه های نور، امید، عزّت، عبودیت و عرفان می رود که همانا منظومهٔ ملکوتی زیارت **جامعهٔ کبیره** نام نهاده شده است.

زیارت جامعهٔ کبیره، حاوی موعظه های شفابخش برای دردهای جسمانی و معنوی و بهترین توشه برای پیمودن پیچ و خم های زندگی، به ویژه عرصهٔ قبر و قیامت است و تنها صاحبان اراده و عزم می توانند از این ذخیرهٔ بی پایان و بی بدیل منشور زندگی استفاده کنند.

خوشا به سعادت آنان که با ارادهٔ قوی و استوار، این زیارت نامه را در شبانه روز - به ویژه در دل شب و در قنوت نماز- قرائت می کنند و خود، خانواده، جامعه، کشور و سرزمین مسلمانان را به نوعی بیمه و تأمین امنیت می کنند!

راهکارهای تقویت اراده

نظر به نقش برجسته اراده مؤمن برای توسل جویی و التجاطلبی از پاکان و معصومان و لزوم آگاهی از دوری جستن نسبت به آفت و آسیب‌هایی که گاه شیعیان، سالکان و عاشقان را از طولانی بودن زیارت جامعه بازمی‌دارد و تن به تنبلی داده می‌شود، در این زمینه چند توصیه برای تقویت اراده ضروری است:

۱. در زمان قرائت و مطالعه قرآن کریم، زمانی که به واژه «عزم؛ اراده»، که نه بار تکرار شده، رسید، آن را با دقت بیشتر بررسی کند و درباره این کلمه مقدس، تفکر شود؛
۲. با افراد و انسان‌های خوش‌اراده، بیشتر هم‌نشینی کند؛
۳. به‌راستی از پرخوری، پرخوابی و پُرگویی پرهیز و اعتدال را رعایت کند؛
۴. از عدم تشویق برخی مردم از همراهی نکردن عده‌ای و حتی زخم‌زبان زدن نهراسد؛
۵. توکل به خدا و تکیه بر قدرت و اراده غالب خداوند کردن، انسان را از غفلت و سستی دور نگه می‌دارد؛
۶. مطالعه مقالات و کتاب‌های تاریخی و غیره از شخصیت‌های بااراده جهان، شامل پیامبران اولوالعزم، امامان معصوم، اراده اولاد و اصحاب سیدالشهدا - علیهم السلام - در آن روز عظیم عاشورا، عالمان، فقیهان و مجاهدان اسلام از متوسلان و ذاکران و

مادحان اهل بیت عصمت و طهارت، جهت تقویت اراده، بسیار آموزنده و کمک‌کننده است؛

۷. مداومت و استقامت در برگزاری و برپایی مجالس ذکر و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت در جلوه زیبای زیارت جامعه کبیره و تقید خود و خانواده به این امر مهم که توصیه حضرت امام زمان بوده و هست.

امام خمینی در باره اهمیت اراده و آثار آخرتی آن فرمود:
بدان ای عزیز! عزم و اراده قویّه در آن عالم خیلی لازم است و یکی از مراتب بهشت، اراده و عزم است که انسان تا دارای اراده نافذ و عزم قوی نباشد، دارای آن بهشت و مقام عالی نشود.

در حدیث است که وقتی اهل بهشت در آن مستقر شوند، یک مرقومه از ساحت قدس الهی (جَلَّتْ عَظْمَتُهُ) صادر شود برای صاحبان اراده، به این مضمون:

«این کتاب از زنده پایدار جاویدان است به سوی زنده پایدار جاویدان، من چنانم که به هرچه بفرمایم بشو، می شود. تو را نیز امروز چنان کردم که به هرچه امر کنی بشود، می شود.»^۱

شش: استعاذه زائر

استعاذه از «عَوَدَ» به معنای پناه بردن به چیزی و چنگ زدن به آن برای محفوظ ماندن از شرّ و خطرهایی است که متوجه انسان می‌شود.^۱

به اقتضای عقل و به توصیه شرع مقدّس، برای اصل شدن به مقامات توحید، نبوت و امامت ناب و خالص - که در رأس آنان پروردگار متعال به عنوان دژ و پناهگاه محکم هستند- باید از خطرها، وسوسه‌ها و ناامیدی‌های شیطان‌ها و شیطان‌صفتان و محفوظ ماندن از نفوذ فکری و فرهنگی ماهواره‌ها و هزاران بلندگو و میزخطابه و مدارهای مجازی ضدشیعه و اهل بیت، به خداوند قادر پناه برد و عقربه دل را همواره متوجه ذات باری تعالی کرد و از شیطان برائت جست و از شرور آنان، به خداوند و قدرتش تکیه کرد.

اگر شرع مقدّس درباره قرائت قرآن کریم به پیروان اسلام توصیه و تأکید دارد که هنگام تلاوت وحی الهی، از شرّ و بدی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها و یأس‌آفرینی‌های شیطان به خداوند پناه ببرید، بدون تردید زائر اهل بیت عصمت و طهارت و قرائت‌کننده زیارت جامعه کبیره، باید برای دفع خطر شیطان‌ها و هجمه‌های فرهنگی گوناگون

۱. گفتار رفیع، قرآن پژوهی، ص ۳۶۴.

دشمنان، به پناهگاه محکم الهی پناه ببرد.

قرآن کریم فرمود:

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾^۱

«هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شر شیطان مطرود به خدا پناه ببر.»

معنای دیگر استعاذه، درخواست، حمایت، عنایت و هدایت در امور مهم عبادی و عرفانی و امور مادی زندگی از خداوند است. درخواست کمک‌رسانی و پناه دادن در لغزشگاه‌ها، بحران‌ها و انحرافات اخلاقی، فکری، فرهنگی و خانوادگی از خداوند است و این مهم انجام نمی‌شود، مگر این که روح و جان انسان به قدرت لایزال الهی پیوند بخورد و از شر دشمنان محفوظ بماند.

استعاذه و پناه بردن به خداوند از وسوسه‌ها، دغدغه‌ها و لغزش‌ها، به معنای دمیدن روحیه مثبت‌اندیشی و مبارزه با بدبینی‌ها و منفی‌اندیشی‌ها است که معمولاً انسان‌ها در شروع کار بیشتر دچار آن می‌شوند؛ از این رو در همان ابتدا باید از حضرت رَبُّ الْعَالَمِينَ طلب پناه کرد تا بتوان به صورت وافر، از برکات زیارت جامعه کبیره بهره جست.

خواندن سوره «ناس و فلق» که به قرائت آن بسیار سفارش شده است؛ باید از شرّ اموری که مربوط به درون انسان است، مثل

میل به گناه و شهوت پرستی و اموری که مربوط به بیرون انسان است، مانند حوادث ناخوشایند، بلاها، دشمنان، فتنه‌ها و شیطان‌ها، به خدا پناه برد.

قرائت زیارت جامعه کبیره و گره زدن جسم و روح به ریسمان محکم ولایت اولیای الهی، در واقع درخواست هدایت و قرارگرفتن در صراط مستقیم دین و دوری گزیدن از گمراهان، بدخواهان و دشمنان ولایت و کافران است و این مهم در سایه تهنیه سپر مستحکم و نفوذناپذیر دعا و تمسک به قدرت یداللهی پروردگار ممکن می‌شود.

نکته دیگری که در جریان پناه جویی از خداوند در هنگام قرائت زیارت‌نامه باید به آن توجه کرد، مراقبت از امور نفسانی و وسوسه‌های شیطانی است، از قبیل:

۱. خودنمایی و نیت و قصد ریاکارانه؛
۲. منفعت‌طلبی‌ها، جاه‌طلبی‌ها و کسب شهرت اجتماعی؛
۳. زیبا کردن ظاهر برای مردم و زشتی باطن و به تعبیری: دنیاگرایی و رهاکردن آخرت؛
۴. تقلید کورکورانه و بدون معرفت؛
۵. شتاب زدگی و عجله برای حاجت‌ها و درخواست‌های خود.

کم‌صبری و بی‌حوصلگی، از معانی و آثار هَلْکُوع

(شتاب زدگی) است که در قرآن کریم، خدای متعال به انسان‌ها هشدار داده است.

در پایان مبحث استعاذه که به‌عنوان یکی از بایسته‌های زیارت جامعه کبیره عنوان شد، بجا است پای مکتب قرآن کریم نشسته و درس و پند بگیریم، تا در لحظه‌های زندگی - به‌ویژه شروع امور مهم مثل اقامه نماز، روزه گرفتن و ذکر توسل و زیارت‌خوانی اهل بیت عصمت و طهارت - همواره از خداوند مصرّانه و عاجزانه بخواهیم تا ضمن پناه دهی، ما را از شرّ شیطان «انس و جن» و وسوسه‌های آن‌ها حفظ کند.

آیات شریفه قرآن در باب استعاذه، هفده مورد است که فقط به صیغه‌ها و جمله‌های استعاذه برخی آیات و روایات اشاره می‌شود:

- «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

- «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ»

- «أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ»

- «أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ بِعِلْمٍ»^۱

- «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي»^۲

۱. سوره هود، آیه ۴۷.

۲. سوره یوسف، آیه ۲۳.

- ﴿أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾^۱؛
- ﴿إِنِّي أَعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾^۲.

هفت: اُنس

احساس شادمانی قلبی، انبساط روحیه و نشاط روانی نسبت به ارتباط و اتصال با محبوب و رسیدن و خلوت پیدا کردن با او را «اُنس» می گویند.

زمانی که عاشق و شیفته خدا و اولیای الهی بر دل و جانش فَرَح و شادمانی غالب شود و در دلش برقی از شادی معنوی و میل عالی وصول و ارتباط ایجاد شود، به شکرانه این شادی که با معیارهای مادی قابل سنجش و اندازه گیری نیست، او به مقام اُنس دست یافته است و حجاب های بین عاشق و معشوق - به لحاظ ذکر و یادکرد- رفته رفته برداشته می شود و همدمی پایدار می شود.

پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله - از قول خداوند فرمود:

«هرگاه یاد من بر بنده ام غالب شود، خواهش و خوشی او را در یاد خود قرار دهم و چون خواهش و خوشی او را در یاد خویش قرار دهم، عاشق من شود و من نیز عاشق او شوم و چون عاشق یکدیگر شویم، حجاب بین خود و او را بردارم و عشق خویش را بر جان او

۱. سوره ناس، آیات ۱-۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۶.

چیره گردانم، چنان که نظیر مردم دچار غفلت نمی‌شود. سخن آنان (عاشقان) سخن پیامبران است و آنان براستی قهرمان‌اند.^۱

اگر زائر، با دقت به بشارت‌ها، نویدها و فرح‌بخشی‌های قرآن کریم دل بسپارد و با عقیده‌ای راسخ، درصدد جلب و جذب آن باشد، به یقین در ذکر و یاد خدا و تهلیل (لا اله الا الله) و تکبیر و تسبیح و تحمید الهی و ارتباط پیوسته با او، کوشا خواهد بود.

اُویس قَرَنی گوید: «احدی را نیافتم که پروردگار خود را بشناسد و با غیر او انس بگیرد.»^۲

آری! ثمره و نتیجه ارتباط با خدا و به مقام مناجات با حضرت دوست رسیدن، انس پیدا کردن با اوست و میوهٔ انس با خدا، همانا انبساط و شادی خاصی است که از عاشق خدا، رفع موانع و حجاب‌ها می‌کند و بدترین و سخت‌ترین لحظات برای انیس با خدا، زمانی است که اجازه خلوت‌نشینی و راز و نیاز مونسانه به او داده نشود.

اگر با دقت به مناجات پیامبران و امامان معصوم و عارفان و سالکان راه خدا نگاه بیفکنیم، آن اسوه‌های انس با خدا را در عالی‌ترین مقامات انبساط و شادمانی معنوی می‌بینیم.

۱. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۸۵۳.

۲. معراج السعادة، ص ۵۷۰.

زیارت جامعه کبیره، مصداق روشن رازنامه و مناجات نامه و شور حجت خدا یعنی حضرت امام علی بن محمد الهادی - علیه السلام - است.

این زیارت نامه دارای عالی ترین و عرشی ترین الفاظ و معانی و مضامین عرفانی، عقلی و عقیدتی است و بستر بسیار مناسب برای ارتباط و انس است.

این زیارت نامه، بهترین مناجات نامه منادیان دین است که از زبان مبارک امام معصوم به پیروان اسلام هدیه شده است.

بر این باور، زائر و توسل جوی به امامان معصوم و قرائت کننده زیارت نامه جامعه، در شروع این ارتباط به لحاظ کسب آمادگی ها و رعایت ادب و آداب و درود و صلوات فراوان بر محمد و آل محمد - صلی الله علیه و آله - فرستادن و نیز رسیدن به مقام اخلاص و سایر مواظبت هایی که انجام داده، در خود احساس شغف و شادمانی قلبی کرده، از این خلوت گزینی و ارتباط با اولیای دین، برقی از شادی معنوی سراسر وجودش را فرا می گیرد و از این که انیس آن مقربان الهی شده، بسیار خوشحال و شادمان است.

او می کوشد از این مقام انس و همراهی با معصومان، حداکثر بهره را برده، این حالت معنوی و عاشقی را تا پایان زیارت نامه، در خود حفظ و حراست نماید.

مگر ممکن است فردی که انیس، همدم و همراه اهل بیت

شود، آنان او را تنها و بی‌یاور بگذارند؟!

مگر ممکن است آن‌که شیفتهٔ جمال دلربای رسول خدا - صلی الله علیه وآله - و خاندان پاکش شود و در وصل و ارتباط مستمر بکوشد و در ذکر توسل و یادکرد زیارت **جامعهٔ کبیره** و تبیین معارف بلند این منظومهٔ معرفتی درنگ نکند، او را به مقام قرب و دوستی و هم‌نشینی راه ندهند؟!

مگر ممکن است زائران، سلام‌دهندگان و درودفرستندگان بر اهل بیت عصمت و طهارت، به‌ویژه بر سید و سالار شهیدان، از آن همه پاداش و ثواب الهی محروم شوند یا مورد عنایت آن پاکان عالم واقع نشوند؟!

جای بسی تمجید و تشکر از آن دسته شیعیان، دلدادگان و عاشقان زیارت **جامعهٔ کبیره** است که در هر ذکر و توسل و در هر جلسهٔ آن زیارت‌نامه، بنا بر توصیه‌های دینی، معنوی و عرفانی، علاوه بر در نظر داشتن و قصد زیارت‌خوانی اولاد رسول‌الله - صلی الله علیه وآله - و اهل بیت عصمت و طهارت، به حضرت امام حسین - علیه السلام - و حضرت امام رضا - علیه السلام - به صورت ویژه سلام می‌دهند، زیارت می‌کنند و اظهار ارادت، محبت و انس می‌کنند.

در پایان این فصل و به قصد تبرک و تیمن، با ذکر یک حکایت، به گوشه‌ای از راز و سرّ این همه پاداش و اجر و ثوابی که

در اظهار ارادت، سلام و زیارت خوانی آن دو امام همام یعنی سیدالشهدا - علیه السلام - و ثامن الحجج - علیه السلام - نهفته است، اشاره می‌کنیم.

به این امید که عطش و عشق معرفت جویان نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت پایدارتر شود.

داستان روایی

سید بحرالعلوم به قصد تشرّف به سامرا تنها به راه افتاد. بین راه به این مسئله که گریه بر امام حسین - علیه السلام - و زیارت رفتن و سلام دادن به آن بزرگوار گناهان را می‌آمزد، فکر می‌کرد و همواره این سؤال در ذهنش بود که چگونه می‌شود خداوند سبحان، این همه ثواب که به شمارش در نمی‌آید، به زائران امام حسین - علیه السلام - و امام رضا - علیه السلام - اختصاص داده است؟ در این هنگام عربی سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد.

بعد رو به سید بحرالعلوم کرد و پرسید:

جناب سید! درباره چه چیزی به فکر فرو رفته و در اندیشه چه

هستی؟ اگر مسئله علمی است بفرمایید شاید من اهلش باشم!

سید بحرالعلوم همان سؤالی را که درباره اش فکر می‌کرد،

پرسید.

سوار عرب فرمود:

تعجب نکن! درست است، من برای شما مثالی می‌آورم تا مشکل

حل شود.

سلطانی به همراه درباریان خود به شکاری رفت. در شکارگاه از لشکریانش دور شد و به سختی فوق العاده‌ای افتاد و بسیار گرسنه شد.

خیمه‌ای دید، وارد آن خیمه شد. در آن سیاه‌چادر، پیرزنی با پسرش زندگی می‌کرد، آنان بزی شیرده داشتند و از مصرف شیر این بز، زندگی خود را می‌گذراندند.

وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولی چون چیزی برای پذیرایی نداشتند، برای پذیرایی از میهمان، بُز را سر بریدند و کباب کردند.

سلطان، شب را در همان جا خوابید و روز بعد از آنان جدا شد و هر طوری بود خودش را به درباریان رسانید و جریان را برای اطرافیان نقل کرد.

در نهایت از آنان پرسید: اگر من بخواهم پاداش مهمان‌نوازی پیرزن و فرزندش را بدهم، چه عملی باید انجام بدهم؟ یکی از حضار گفت: به او صد گوسفند بدهید. دیگری که از وزیران بود، گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید.

دیگری گفت: فلان مزرعه را بدهید.

سلطان گفت:

هرچه بدهم کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تخت را هم بدهم، آن وقت مقابله به مثل کرده‌ام؛ چون آنان هرچه داشتند به من دادند، من هم باید هرچه دارم به آنان بدهم تا سربه‌سر شود.

بعد سوار عرب به سید بحرالعلوم فرمود:

حالا جناب بحرالعلوم، حضرت سیدالشهدا - علیه السلام - هرچه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و دختر و برادر و خواهر و سر و پیکر داشت، همه را در راه خدا داد، پس اگر خداوند به زائران و گریه‌کنندگان و سلام‌دهندگان آن حضرت، این همه اجر و ثواب بدهد، نباید تعجب کرد؛ چون خدا که خدایی اش را نمی‌تواند به سیدالشهدا - علیه السلام - بدهد، پس کاری را که می‌تواند انجام می‌دهد، یعنی با صرف نظر کردن از مقامات عالی خود امام حسین - علیه السلام - به زوار و گریه‌کنندگان آن حضرت هم درجاتی عنایت می‌کند و در عین حال، این‌ها را جزای کامل فداکاری ایشان نمی‌داند.

زمانی که شخص عرب این مطالب را با ذکر مثال روشن بیان کرد، از نظر سید بحرالعلوم ناپدید شد.^۱

زیارت جامعه کبیره، دعوت‌نامه رشد، کمال و سعادت

زیارت جامعه کبیره به تعبیر مفسر نام‌آور، آیت الله جوادی آملی

۱. کتاب برکات حضرت ولی عصر، به نقل از العبقری الحسان، ج ۱، ص ۲۲۲.

(زید عزه) هم‌سنگ دعای جوشن کبیر است. در دعای جوشن کبیر، خداوند تبارک و تعالی را با هزار جلوه در صفات گوناگون هزار بار می‌خوانیم و معرفت‌مان را نسبت به او، از دریچه‌های گوناگون زیاد می‌کنیم.

میهمان سفره دعای جوشن، با هزار نوع غذای توحیدی و الهی پذیرایی می‌شود و خود را از آماج تیرهای زهرآگین شیطان‌های جن و انس حفظ می‌کند.

میهمانان زیارت جامعه کبیره نیز با غذاهای گوناگون در ابعاد پیامبرشناسی و به‌ویژه امام‌شناسی پذیرایی می‌شوند و پناهنده امامان معصوم می‌شوند.

زائر در دعوت‌نامه کمال، رشد و سعادت یعنی زیارت‌نامه جامعه به تماشای جلوه‌های زیبا و جاودانه انسان کامل و الگوهای کامل می‌نشیند و می‌کوشد از هدایت امام هادی - علیه السلام - در رشد، سعادت، کمال و تکامل، بهره‌ها نصیب خود کند.
حافظ می‌گوید:

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم

ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

داستان روایی

استاد فاطمی نیا در عظمت زیارت جامعه کبیره نوشته است:
فرد کاسبی (بازاری) در نجف اشرف بود که حدود هشتاد سال سن داشت. چون مرد صالحی بود، مغازه اش هر روز محل نشست و برخاست مراجع تقلید زمانش بود و از حالات و روحیات عارفانه این پیرمرد، کسب فیض می کردند.
روزی یکی از مراجع عظام برایش مریضی آورده بودند که به آن بازاری التماس دعا داشت و پزشکان گفته بودند باید عمل جراحی کند.

مغازه دار تصمیم گرفت برای طلب شفای مریض، بهترین زیارت که سرمایه عظیم شیعه است، یعنی جامعه کبیره را خطاب به حضرت اباعبدالله الحسین - علیه السلام - بخواند.
او این رازنامه و منشور ولایت و عمل عارفانه را با سوز خاصی قرائت کرد و خوابید.
در آن شب، حضرت سیدالشهدا - علیه السلام - به خوابش آمده، فرمودند:

« پیش حضرت مسلم برو کار تو را درست می کند.»
امام حسین - علیه السلام - از حضرت مسلم بالاتر و امام معصوم است، اما مقام و منزلت فرزند عقیل را معرفی می کند.
فرد مریض را به کوفه بردند و او را متوسل به ضریح جناب

مسلم کردند. او در حالت خواب ناگهان می بیند آقای جلیل القدر آمد و فرمود:

«من مسلم بن عقیل هستم، چه می خواهی؟»

او گفت: مرا حضرت اباعبدالله الحسین - علیه السلام - فرستاده اند، امر امام را اطاعت کرده و نزد شما آمده ایم. حضرت مسلم خطاب به مریض می گوید:

«بلند شو، بلند شو!»

[او می گوید:] من بلند شدم و راه افتادم و دیگر هیچ اثری از آن غده سرطانی در بدنم نبود.^۱

زیارت جامعه، کلمه طیبه شفا بخش

زیارت جامعه کبیره مصداق روشن و تجلی تابناک آیه زیر است:

﴿كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا﴾^۲

«گفتار و اعتقاد پاک و پاکیزه مانند درختی پاک است که ریشه اش ثابت و شاخه اش در آسمان است و میوه اش همواره به اذن پروردگار به مردم می رسد.»

«کلمه» در لغت به معنای گفتار و هر گونه جمله و سخنان مفصل و طولانی اطلاق می شود.

۱. شرح تفسیر زیارت جامعه کبیره، فاطمی نیا، ص ۱۶۳.

۲. سوره ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵.

«طیب» نیز به هر چیز پاکیزه که با طبع آدمی موافق باشد و ذاتاً از آن لذت ببرد، اعم از خوراک، لباس، خانه، مَرکَب و سخنان و گفت‌وگوهای پاکیزه اطلاق می‌شود.^۱

یکی از معانی «طیبات»، سخنان و کلام پاک از مردان پاک و با تقوا است. با این وجود، گوینده و آموزنده زیارت جامعه کبیره، جانشین بر حق حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه وآله - و امام معصوم و حجت خدا است که به مصداق آیه تطهیر، حضرت امام هادی - علیه السلام - از اهل بیت عصمت و طهارت و خاندان وحی به حساب می‌آیند.

ضمن این که سخنان آن بزرگوار در این زیارت نامه کامل و جامع، سراسر نور، رحمت، برکت، هدایت و منفعت است که اصل این کلمه طیبه «زیارت جامعه» ثابت و پایدار و متصل به منبع لایزال وحی الهی و سخن خدا است و به اذن الهی در عرش پروردگار، برای هدایت مردم و اهل ایمان، از آسمان به مترجم وحی الهی (یعنی حجت خدا) امام علی بن محمد الهادی - علیه السلام - الهام شده است.

زیارت جامعه کبیره، همچون درختی تنومند و ریشه دار، متصل به اقیانوس عظیم رحمت و هدایت الهی است که میوه و

۱. لغات در تفسیر نمونه، ص ۳۵۸-۴۶۳.

ثمره آن، همان انسان‌های تربیت‌شده در مکتب منادیان توحید و در رأس همه، خود امامان معصوم هستند.

از همین منظر است که وقتی به خاطرات عرفانی امام خمینی و حضورش در نجف اشرف برخورد می‌کنیم، آن عاشق سفرکرده اهل بیت عصمت و طهارت، حدود پانزده سال هر شب از منزلش پیاده به سوی حرم حضرت مولی‌الموحدین علی بن ابی‌طالب - علیه السلام - حرکت می‌کرد و با بهره‌گیری از شعاع انوار الهی، در آن حرم نورانی زیارت **جامعه کبیره** را با آن حالت معنوی قرائت می‌کرد، سپس برمی‌گشت.^۱

امام خمینی یکی از میوه‌ها و ثمرات آن درخت تنومند و برگی از برگ‌های متصل به مخزن وحی الهی، یعنی زیارت‌نامه **جامعه کبیره** و حجّت خدا امام هادی - علیه السلام - بود.

بی‌تردید، هر آبی که به سرچشمه اصلی متصل باشد و از کانون اصلی جدا و جاری شود، به‌طور طبیعی بستر رودخانه را درمی‌نوردد تا خود را به دریا برساند و همگان بهره‌مند شوند؛ به‌گونه‌ای که هرکس آن آب پاک را در هر جای رودخانه ببیند، بدون تردید آن را همان آبی می‌داند که از دامنه‌ها بر سرچشمه‌ها سرازیر شده است و سیر این پایداری و منفعت‌دهی، اتصال به کانون‌های

۱. ر. ک: صحیفه دل، ج ۱، ص ۷۵؛ سیمای فرزندان، ص ۱۸۰.

گونگون است؛ از این رو راز پایداری شجره طیبه شیع و ولایت آل رسول الله - صلی الله علیه وآله - همان اتصال این مکتب به وحی الهی و حضرت رسول خدا - صلی الله علیه وآله - است.

زیارت جامعه کبیره نیز به عنوان پایگاهی مستحکم و درختی تنومند و با برکت، همواره در طول تاریخ در عقیده مندی مؤمنان نقش آفرینی برتر داشته و توانسته عقاید، احساسات و عواطف مردم را به نحو صحیح و شرعی مدیریت کند و اگر موج های باطلی همچون وهابیت - که وابسته به یهود و رژیم باطل اسرائیل است - چند صباحی توانسته موج آفرینی کند و مردم را از تکریم، تجلیل، توسل و عزاداری نسبت به اهل بیت و خاندان رسالت به ویژه سیدالشهدا - علیه السلام - بازدارد، اینان همچون کفی در بستر رودخانه ها هستند که دارای وجودی جدا شده از سرچشمه کانون آب پاک هستند و چون اتحاد و یکرنگی و یگانگی آنان متصل به توحید و نبوت و امامت نیست، به فضل الهی همچون دودمان خبیث خود و شجره ملعونه یعنی بنی امیه و بنی عباس، دچار شعله ستم سوز مردان و زنان باایمان و عاشق و شیدای اهل بیت خواهند شد.

جلال الدین بلخی می گوید:

مؤمنان معدود، لیک ایمان یکی

جسمشان معدود، لیکن جان یکی

جان گرگان و سگان هر یک جداست

متحد جان‌های شیران خداست

امام صادق - علیه السلام - در تفسیر کلمه شجره طیبه از قول رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود:

«من ریشه این درخت هستم و امیرالمؤمنین علی نیز تنه آن درخت است و امامان از ذریه آن حضرت، شاخه‌های آن درخت هستند و علم ائمه، میوه آن درخت است و پیروان باایمان آنان، برگ‌های این درخت‌اند. به خدا قسم! هنگامی که فرد مؤمن متولد می‌شود، برگی در آن درخت ظاهر می‌شود و هنگامی که مؤمن راستین می‌میرد، برگی از آن درخت می‌افتد.»^۱

بگذار که بر شاخه این صبح دلاویز

بنشینم و از عشق سرودی بسرایم

آنگاه به صد شوق چو مرغان سبک بال

پر گیرم از این بام و به سوی تو بیایم

شهادت و اقرار به توحید، دالان ورودی جامعه کبیره

اصل معنا و مفهوم شهادت، دیدن، آگاهی و علم حضوری نسبت به چیزی است و آن‌گاه به اظهار آنچه دیده می‌پردازد.

۱. تفسیرالبرهان، ج ۲، ص ۳۱۰.

در این زیارت نامه، زائر با تمام وجود و با بهره گیری از فطرت پاک الهی خویش و الطاف و نعمت های پروردگار، بر وحدانیت و یکتایی خدا اقرار کرده و گویا همه دارایی خود - که خداوند به او عطا کرده - و همه کائنات هستی - که خداوند برای کمال انسان آفریده - همه را به محضر حضرت دوست حاضر دیده، با عقیده راسخ و برخاسته از ندای فطرت، به ربوبیت و خالقیت و تمام صفات جمال و جمیل او گواهی و شهادت می دهد.

نگاه خداوند به انسان، نگاه کرامت و فضیلت، نگاه علم و دانش، نگاه مُسَخَّری و سیر در آفاق و آنفُس و نگاه کامل ترین موجود و مسجود است؛ از این رو هر انسان باید در گواهی و شهادتش، همه این برتری ها، امتیازها و قابلیت ها را به عرصه و جلوه گاه ذهن و عقل خود اظهار نماید و چنین اقرار کند:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.»

معنای دیگر شهادت و گواهی دادن به خداوند که «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» است، آن است که در واقع، هر انسان گواهی دهنده، عهد و پیمانش را که در عهد آگست «عالم ذر» با خدا داشته، بار دیگر به گواه و شاهد می گیرد و از خداوند می خواهد که همواره او را در راه خداپرستی، خداناظری، توکل و توحید، حفظ و ثابت قدم نگه دارد:

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ﴾

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا^۱؛

«به یادآور هنگامی را که پروردگارت از صُلبِ فرزندان آدم، ذُرِّیَّةُ آنان را بیرون آورد و آنان را بر خویشتن گواه گرفت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: چرا! ما گواهی می‌دهیم.»

زائر، بعد از شهادت اولیه که بر صفات جمال و جلال پروردگار حکایت داشت، برای تکمیل و تکامل بخشی شهادت و گواهی‌اش به توحید ناب با ملائکه - که موجوداتی برتر از عالم ماده‌اند و گرفتاری‌ها، دل‌بستگی‌ها و تعلقات دنیایی و مادی انسان‌ها را ندارند- هم‌نوا می‌شود.

نقش ملائکه الهی در زندگی انسان

نقش ملائکه الهی با توجه به مراتب وجودی، در زندگی انسان‌ها غیرقابل انکار است. آنان به‌طور مطلق در خدمت و تحت فرمان خداوند هستند؛ از این رو وقتی شهادت می‌دهند، گواهی ملائکه نیز علی‌الاطلاق است.

در آموزه‌های قرآنی، خداوند برای این موجودات، سجده، تسبیح و حمد و ثناگویی اثبات می‌کند و حتی ملائکه را برای تکمیل رسالت انبیا، رسول خود معرفی می‌کند.

با این اوصاف، امام هادی - علیه السلام - به‌صورت بسیار

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

لطیف، زائر و سلام‌دهنده عادی و عموم مردم را با ملائکه و سپس خود امامان معصوم پیوند می‌زنند، تا نقایص و کمبودهای گواهی و شهادت انسان‌ها ترمیم شود، اوج بگیرد و در عرش الهی، جاودانه بماند و به وسیله نورا نیت این اقرار به توحید و وحدانیت پروردگار، در دنیا و آخرت از آن برخوردار و چراغ راه هدایت باشد.

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به جناب ابوذر فرمود:

«ای اباذر! حریم خدا را حفظ کن تا او را جلو رویت بیابی.»^۱

زائر مؤمن باید با مراعات تمامی حدود و حریم الهی، دستورها و وظایف خود نسبت به خداوند را آشکار کند و بار دیگر شهادت دهد و به پای آن بایستد و قدرت، حکمت، عدالت و تمام اسمای الهی را به محضر بیاورد و گواهی دهد که بر پیمان و عهد خداشناسی و خدامحوری باقی است؛ آن خدایی که عزیز و حکیم است و همان خدایی که پیامبران و ائمه معرفی می‌کنند.

زائر با شهادت به توحید و یگانگی پروردگار، اجازه ورود به دالان و درگاه‌های رحمت الهی و مظاهر آن رحمت یعنی وجود پیامبر رحمت - صلی الله علیه و آله - و ائمه اطهار را پیدا می‌کند و این، عالی‌ترین پاسخ به شبهه و هابیت است که می‌گویند: شیعیان به خدا شرک دارند و رهبران دینی یعنی امامان معصوم را می‌پرستند!

چهارده رواق نور:
مدح و مصیبت معصوم اول،
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله

به مصداق بخششی از زیارت جامعه: «أَنْ أَرْوَا حَكْمُكُمْ وَ نُورُكُمْ وَ طِينَتَكُمْ
وَاحِدَةً» و در مَنَقَبَتِ هر معصوم از چهارده رواق نور و عصمت، مدح و
مصیبت خواننی تقدیم شما خوانندگان گرامی می شود.

پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله - به واسطه سمی که به
حضرت خورانده بودند بیمار بود، در حالی که اصحاب محضرشان
بودند، به پرسش عمار یاسر پاسخ داد که بعد از رحلت من علی بن
ابی طالب - علیه السلام - مرا به کمک ملائکه غسل می دهد و کَفَن
خواهد کرد و اولین کسی که از بالای عرش بر من نماز خواهد
خواند، پروردگارم است و در روی زمین، علی بن ابی طالب - علیه
السلام - خواهد بود. پیامبر سپس وارد مسجد شد و در آنجا از

توحید، نبوت، امامت و مقام حضرت زهرا - علیها السلام - و از قیامت و پرواز روح بزرگ خویش سخنانی بیان کرد، تا این که دستورداد با همان وضع بیماری، او را به منزل فاطمه زهرا - علیها السلام - بیاورند.

پیامبر سر مبارک را در آغوش فاطمه گذاشت. پیامبر دید که حسن و حسین گریان و نالان شدند و گفتند:

«یا جداه، روح ما به فدای روح و چهره ما به فدای چهرهات باد!»

در این شرایط ملک الموت نازل شد و فرمود:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ»

آن گاه ملک الموت منتظر آمدن جبرئیل شد. به محض ورود،

جبرئیل فرمود:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ.»

پیامبر سلامها را پاسخ دادند. در حالی که جبرئیل در طرف

راست پیامبر خدا و میکائیل در طرف چپ آن حضرت بود،

ملک الموت حضرت رسول را قبض روح کرد و جبرئیل گفت:

«يَا مُحَمَّدُ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ، كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ.»

امام صادق - علیه السلام - فرمود:

«این جا بود که فاطمه فریاد زد، مردم فریاد زدند و شروع کردند به

خاک ریختن بر سر و صورت شان.»

جبرئیل می گوید:

«ای حبیب خدا! من آسمان را ترک کردم، در حالی که درهای آن

باز شده بود و فرشتگان صف در صف به روح بلند پیامبر خوشامد می گویند، در های بهشت گشوده، نهرها جاری شده و درختان بهشتی به رسم تواضع، سرافکنده اند.»^۱

شبی در بستر و زهرا کنارش
عزیز قلب او شد بی قرارش
بگوید دخترم کمتر نوا کن
برای رفتن بابا دعا کن
بگو تا با حسن آن نور عینم
بیاید در بر من با حسینم
دگر بار سفر را بستم امشب
کجایی یادگار عشق زینب
دگر حیدر ز سر عمامه بردار
برای این عمّت شو عزادار
علی آماده شد از بهر غربت
مدینه بر تو گردد شهر غربت

۱. ر. ک: امالی، شیخ صدوق، ص ۵۰۸، ذیل حدیث ۶؛ اعلام الوری، ص ۸۳؛ فروغ
ابدیت، ص ۹۴۰.

دگر تنهاترین مرد جهانی

تو اول بی کس کون و مکانی

علی جان صبر کن صبر یگانه

به هنگام هجوم تازیانه

در یکی از سالها مردم مکه و حوالی آن با خشکسالی عجیبی روبه‌رو شدند. قریش با چشم گریان رو به ابوطالب آورده، درخواست کردند که از خداوند برای مردم، باران رحمت بطلبد. ابوطالب دست مبارک پیغمبر خدا حضرت محمد - صلی الله علیه وآله - را که در آن زمان پسر خردسالی بود، گرفت و بر دیوار کعبه تکیه کرد و خدا را به حق این کودک خردسال قسم داد. چیزی نگذشت که توده های ابر از اطراف به حرکت درآمد و سیلاب باران همه جا را فراگرفت و نقاط دور و نزدیک را سیراب کرد و همه راضی و خوشحال شدند.^۱

اشاره و گریز به کربلا

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ».

یا ابا عبد الله! یا حسین بن علی، همه مصائب شما را اگر در یک کفه بگذاریم و تشنگی شما و اهل بیت هم یک طرف، قدر مسلم

۱. سیره حلبی، ج ۱، ص ۱۲۵.

این که عطش عزیز زهرا، برجسته‌تر و دردناک‌تر بود.

امام سجاد - علیه السلام - بیش از سی سال هر وقت آب

می‌دید، صدا می‌زد:

«قَتِلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ عَطْشَانًا.»^۱

حضرت زینب هم وقتی کنار قتلگاه آمد، فرمود:

«بِأَبِي الْعَطْشَانِ حَتَّى مَضَى؛

یا حسین! پدرم به قربانت که با لب‌تشنه جان دادی!»^۲

یا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ!

دل‌ها بسوزد از بابت مصائب تشنگی شما، به فدای لب‌های

عطشان شما در کربلا.

انسان‌های قَسِي الْقَلْبِ، آب گوارا را به روی اهل حرم بستند

و همه شهدا و در رأس آنان سیدالشهدا - علیه السلام - با تشنگی

جان دادند تا دین خدا باقی بماند؛ اما ابوطالب در مکه خدا را به حق

بنیان‌گذار دین خدا سوگند داد، تا مردم از تشنگی و خشک‌سالی

نجات یابند.

کربلا یعنی کمال بندگی

کربلا یعنی رها در زندگی

۱. اللهوف، ص ۲۰۹.

۲. همان، ص ۱۳۰.

کربلا یعنی ندای العطش

روی لبها رد پای تشنگی

کربلا یعنی علی اصغر شدن

تشنه بر دوش پدر پرپر شدن

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

در غزوه ای (ظاهراً غزوه أُحُد)، رسول خدا - صلی الله علیه

وآله - مرا صدا زد و فرمود:

«ای جابر! از تو می خواهم مشکی بر دوش بیندازی و میان زخمی ها

و مجروحان سپاه اسلام، هرکس بر زمین افتاده و در حال جان دادن است و

تشنه کام است، او را سیراب کنی که من دلم نمی آید یارانم با لب تشنه جان

دهند.»^۱

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ.»

منابع

القرآن الکریم.

۱. اجوبۃ الاستفتات، سید علی خامنه‌ای، مؤسسہ ثقلین، قم، ۱۳۷۶ش
۲. استفتات جدید، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۳۸۷ش.
۳. اسرار آفرینش اهل بیت (ع)، عباس استاد آقایی، نشر یاران مهدی (عج)، ۱۳۷۴ش
۴. الاصابة فی معرفة الصحابة، ابن حجر عسقلانی، بیروت، دار احیاء التراث، بی تا.
۵. اصول کافی، کلینی، ترجمہ مصطفوی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۶. اطبیب البیان، سید عبدالحسین طیب، انتشارات اسلام، تهران، بی تا.
۷. اعلام الوری باعلام الهدی، الطبرسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
۸. أمالی، شیخ صدوق، ترجمه کوه کمره ای، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۹. بحار الانوار، علامه مجلسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۵ق.
۱۰. برکات حضرت ولی عصر(عج)، سید جواد معلم، ترجمه برگرفته العبقری و الحسان، تک سوار، ۱۳۸۶ش.
۱۱. تفسیر قرآن ناطق، شرحی بر زیارت جامعه، محمد ری شهری، چاپ مشعر، ۱۳۹۱ش.
۱۲. تفسیر البرهان، حسین بحرانی، قم، انتشارات اسماعیلیان، بی تا.
۱۳. توضیح المسائل مراجع، مسائل جدید از دیدگاه علماء و فقهاء، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (ع)، ورامین، ۱۳۸۶ش.
۱۴. جامع المسائل فارسی، محمد فاضل لنکرانی، انتشارات امیر قلم، بی تا.
۱۵. چهل حدیث امام خمینی، احادیث سیر و سلوک «تهذیب نفس»، مؤسسه امام مهدی (ع)، قم، ۱۴۰۷ق

۱۶. رجال کشی، محمد بن الحسن الطوسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۴۸ش.

۱۷. الدعوات، قطب راوندی، تحقیق محمد باقر ابطحی، مؤسسه امام مهدی (ع)، قم، ۱۴۰۷ق.

۱۸. روضة الواعظین، ابن فثال نیشابوری، انتشارات رضی، قم، ۱۳۷۵ش.

۱۹. روضة المتقین، محمد تقی مجلسی، انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی، کوشانپور، ۱۴۰۶ق

۲۰. ریاض القدس واعظ قزوینی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، بی تا.

۲۱. زاد المعاد، محمد تقی مجلسی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.

۲۲. سیرة حلبی، علی بن برهان الدین حلبی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ق.

۲۳. سیمای فرزندگان، رضا مختاری، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۲۴. شرایع الاسلام، محمد حسن النجفی، بیروت، دار احیاء التراث، بی تا.

۲۵. شرح زیارت جامعه کبیره، فاطمی نیا، انتشارات سبحان، ۱۳۷۴ش.

۲۶. صحیفه دل، خاطراتی از شاگردان حضرت امام خمینی (سید مجتبی رودباری)، حمید بصیرت منش، مرتضی طاهری، اصغر میرشکاری، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ش.

۲۷. صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، بیروت، دار الفکر، بی تا.

۲۸. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، منشورات جهانی، ۱۳۷۸ش.

۲۹. الغدیر، علامه امینی، تحقیق شاهرودی، میراث نبوت، قم، ۱۴۳۰ق.

۳۰. غرر الحکم و درر الکلم، کلمات قصار امیرمؤمنان علی (ع)،

مترجم محمد علی انصاری، انتشارات تهران، بی تا.

۳۱. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۴ش.

۳۲. الفصول المهمة فی اصول الائمة، محمد بن حسن حر عاملی

(متوفای ۱۱۰۴ق)، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)،

۱۴۱۸ق.

۳۳. فضایل و رذائل اخلاقی، حسین مظاهری، نشر اخلاق، ۱۳۸۴ش.

۳۴. قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم، النشر الاسلامی،

۱۴۱۰ق.

۳۵. القرآن الکریم، ترجمه مکارم شیرازی، انتشارات پیام عدالت،

۱۳۸۷ش

۳۶. القرآن الکریم، ترجمه حداد عادل، مشهد، آستان قدس رضوی،

۱۳۹۰ش.

۳۷. الکافی، کلینی، ترجمه علی اکبر غفاری، بیروت، دار التعارف، بی

نا.

۳۸. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، تحقیق علی شیری، بیروت، دار

الاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.

۳۹. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ترجمه علی اکبر غفاری،

قم، النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۴۰. گفتار رفیع، ناصر رفیعی محمدی، قم، نشر معروف، ۱۳۹۵ش.

۴۱. لغات در تفسیر نمونه، محمد جعفر امامی، انتشارات علی بن ابی

طالب (ع)، ۱۳۸۷ش.

۴۲. کشف الاسرار، میبیدی، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران، امیر

کبیر، ۱۳۷۱ش.

۴۳. مجالس المتقین، ملا محمد تقی برغانی (۱۱۸۰- ۱۲۶۳ق)، چاپ

سنگی.

۴۴. مجمع البیان، الطبرسی، تحقیق بلاغی، انتشارات ناصر خسرو،

١٣٧٢ ش.

٤٥. المحجة البيضاء، محسن كاشاني، بيروت، مؤسسة الاعلمي،

١٤٠٣ ق.

٤٦. اللهوف، سيد بن طاووس، نشر حاذق، ١٣٨٠ ش.

٤٧. داستان دوستان، محمدی اشتهااردی، دفتر انتشارات تبليغات

اسلامی، قم، ١٣٦٧ ش.

٤٨. مروج الذهب، المسعودی، انتشارات السعادة، مصر، ١٣٨٤ ق.

٤٩. مستدرک الوسائل، نوری، نشر آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٥ ق.

٥٠. مستدرک، حاکم نيشابوری، تحقيق مصطفى عبدالقادر، دارالکتب

العلميه، ١٤٠٧ ق.

٥١. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، انتشارات هجرت، ١٣٨٣ ش.

٥٢. المغنی و الشرح الكبير، عبدالرحمن بن محمد ابن قدامه مقدسی

(٥٩٧ - ٦٨٢ ق)، بيروت، دار الكتاب العربي.

٥٣. مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمی، تهران، علمی، ١٣٤٥ ش.

٥٤. مفردات راغب، الحسين بن محمد الراغب الاصفهانی، تحقيق

واحدی، دارالقلم، بيروت، ١٤١٢ ق.

٥٥. مناقب ابن شهر آشوب، تصحيح سيد هاشم رسولي محلاتی،

انتشارات علامه، ١٣٧٩ ق.

۵۶. المناقب، سید علی اکبر قریشی، نوید اسلامی، قم، ۱۳۸۹ش.
۵۷. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات کامکار، قم، ۱۳۸۴ش.
۵۸. موسوعة كلمات الامام الحسين (ع)، فرهنگ جامع سخنان، ترجمه مؤیدی، چاپ نشر بین الملل، ۱۳۹۳ش.
۵۹. نکته‌های ناب از چهارده معصوم (ع)، گلستانی همدانی، قم، انتشارات پیام مهدی (ع)، ۱۳۸۷ش.
۶۰. نهج البلاغه، امام علی بن ابی طالب (ع)، ترجمه فیض الاسلام، ۱۳۵۱ق.
۶۱. وسایل الشیعة، محمد بن حسن حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ق)، مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۴۱۶ق.
۶۲. ینابیع المودة، قندوزی، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، تهران، اسوه، ۱۴۱۶ق.